نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم ، سال دوم ، شمارهٔ ۲۳۸
دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ ـ تکشماره ۱۵ ریال

اتحاد نیروهای انقلابی ضرورت تاریخی وحیاتی جامعه ماست

● باید در تحقق آن کوشید تا بتوان دربرابر انقلاب، خلق و تاریخ سربلند بود

کمتر نیروی معتقد به انقلاب است که امروز ضرورت مبرم وحدت عمل همه نیروهای خلقی را انکار کند. مردم ایران به تجربه گرانبهای تاریخی خود (به بهای حدود صدهزار کشته و بیش از صد هزار زخمی) دیدند که چگونه درسایه وحدت عمل همگانی توانستند بر رژیم شاه مخلوع، که سراپا مسلح وامپریالیسم غدار و توانگر آمریکا پشت سرش ایستاده بود، پیروز شوند. بدین ترتیب اهمیت فوق‌العاده وحدت عمل انقلابی در کوتاه‌مدت، یعنی برای غلبه بر رژیم دیکتاتوری و تحصیل آزادی و استقلال کشور غیرقابل انکار است.

اما دشمن اصلی ما، که امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکاست، نه فقط از پای ننشسته، بلکه سرسختانه تلاش همه‌جانبه و گسترده‌ای را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران سازمان‌

بقیه در صفحه ۲

برای مقابله با تجاوز امپریالیسم آمریکا

هشیار، مجهز و آماده باشیم!

امپریالیست‌های آمریکائی هر روز چندبار آشکارا اعلام میکنند که قصد دخالت در ایران را دارند. هر روز که میگذرد جزئیات تازه‌ای از نقشه دخالت آمریکا در ایران توسط مقامات مسئول کشور ویا منابع خارجی فاش میشود.

مجله «المستقبل»، چاپ فرانسه، بنقل از یکی از بزرگترین کمپانیهای نفتی آمریکا مینویسد،

«کمپانی آمریکائی مذکور اطلاعاتی در دست دارد که ایالات متحده آمریکا برای آزاد کردن گروگان‌های خود هنوز هم تصمیم دارد دست به یك اقدام نظامی دیگر علیه ایران بزند، این شرکت از بیم آنکه در اثر اینگونه اقدامات عکس‌العمل‌هائی بر علیه اتباع وپرسنل آمریکائی مقیم آن منطقه نشان داده شود ، برنامهٔ فوق‌العاده‌ای طرح نموده، که درصورت بروز هرگونه اقدام نظامی در خلیج فارس، بتواند ظرف یکهفته حدود ۷۰ هزار نفر آمریکائی را از منطقه خارج کند.» (انقلاب اسلامی ـ ۲۷ اردیبهشت).

درهمین حال **«یك مقام آگاه وموثق نیروهای مسلح»** به خبرنگار روزنامه انقلاب اسلامی گفته است،

«آنچه تا حدودی روشن است اینکه حدود بیست فرودگاه مخفی که توسط آمریکائیها (در زمان شاه مخلوع ساخته‌شده) درخاك ایران وجود دارد، که یکی از آنها همان بود که در آن هلیکوپتر و هواپیماهای سی ـ ۱۳۰ در نزدیکی طبس فرودآمدند. ایران بعلت وسعت زیاد، این امکان را بخوبی برای آمریکائیان فراهم کرده است، تا بتوانند این قبیل فرودگاهها را بنا کنند ودرمواقع اضطراری از آنها استفاده نمایند.» (۲۷ اردیبهشت).

جای خوشوقتی است که مقامات مسئول کشور متوجه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا هستند وکوشش برای کشف امکانات دشمن وخنثی کردن آن ادامه دارند. این هشیاری را باید با تمام نیرو و بادقت تمام حفظ کرد وبا اعلام یك برنامه عملی برای مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا واجرای آن توسط نهادهای انقلابی مردم فداکار و قهرمان ایران همه راهها را برنفوذ امپریالیسم آمریکا بست و پوزه این دشمن غدار را، که قصد تسلط دوباره بر کشورما را دارد، برخاك مالید.

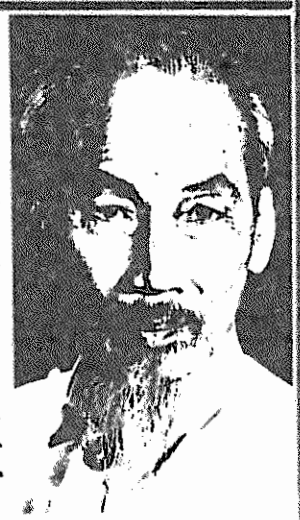

پیام همبستگی کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام

بمناسبت نودمین زادروز هوشی‌مین رهبر کبیر خلق قهرمان ویتنام

رفقای گرامی،

کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران، بمناسبت نودمین زادروز **هوشی‌مین** ، باردیگر مراتب همبستگی خودرا باحزب کمونیست ویتنام ابراز میدارد.

نزد مردم و کمونیست‌های ایران، که سالیان دراز از جنایات امپریالیسم، رنج برده‌اند، هوشی‌مین از محبوبیتی خاص برخوردار است. **هوشی‌مین**، سراسر زندگی خود را وقف طبقه کارگر، خلق وانقلاب ویتنام کرد، که باعتقاد او بخشی از انقلاب جهانی بود.

هوشی‌مین پیکار خویش را با پیدادسرمایه‌داری درعنفوان جوانی آغاز کرد و آنرا در پهنه جهانی ادامه داد. پیکارجویی او مرزی نمیشناخت او توانست آموزشهای **لنین** بزرگ را بگونه‌ای والا درراه رهایی خلق خویش ازبند استعمار بکاربندد واندیشه‌های **لنین** را درپیچ وخم مبارزه بسوی افقهای نو، افقهای سوسیالیسم، راهنمای خویش سازد.

هوشی‌مین، نه تنها میهن‌دوستی بی‌همتا، بلکه همچنین انترناسیونالیستی مؤمن بود. او نه‌تنها بعنوان نخستین کمونیست ویتنامی معروف است، بلکه همچنین بمثابه یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست فرانسه شهرت دارد. **هوشی‌مین** مظهری از انسان طراز نو وانقلابی نمونه واربود.

هوشی‌مین ، مظهر مبارزه سرسختانه و حماسه آفرین خلق ویتنام علیه استعمار فرانسه ورهبر پرنبوغ پیروزی پیکار توده‌ای ویتنام علیه امپریالیسم آمریکا بود.

زندگی «هوهو» کفاف آنرا نداد که وحدت دوبخش ویتنام را بچشم خود ببیند. اما حزب کمونیست ویتنام، درپرتو آموزشهای او، این آرزوی دیرینه وی را نیز بانجام رساند.

نام **هوشی‌مین** برای همیشه درتاریخ انقلابیون سترگ جهان بثبت رسیده است. باشد که خاطره جاودان او همواره خلق ویتنام را رهنمون گردد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
دبیراول: نورالدین کیانوری

نودمین زادروز هوشی‌مین رهبر کبیر خلق ویتنام

صفحات ۳ و ۷

کنفرانس کشورهای عضو پیمان دفاعی ورشو از حقوق مسلم مردم ایران در تعیین مستقلانه سرنوشت وراه پیشرفت آینده خود، بدون هرگونه مداخله خارجی پشتیبانی کرد

■ کنفرانس کشورهای عضو پیمان دفاعی ورشو تجاوز نظامی وعملیات خرابکارانه اخیر ایالات متحده امریکا علیه ایران را باقاطعیت محکوم کرد وآنرا بمثابه یك اقدام خشن مداخله در امور داخلی ایران ونقض حاکمیت این کشور توصیف نمود.

کنفرانس کشورهای عضو پیمان دفاعی ورشو، که بمناسبت ۲۵ امین سال تشکیل این پیمان با شرکت رهبران وسران دول کشورهای سوسیالیستی عضو این پیمان دفاعی، در ورشو پایتخت لهستان برگزار گردید، درجلسه نهائی خود اعلامیه‌ای منتشر ساخت. در این اعلامیه از جمله آمده است،

بزرگترین موفقیت دردوران ۲۵ ساله فعالیت این پیمان دفاعی آن بود که در این دوران از درگیری جنگ جهانی جلوگیری بعمل آمد، در زمینه استحکام مبانی صلح پیشرفتهائی حاصل شد وبه این افسانه که صلح، دوران تنفس میان دو جنگ است، پایان داده شد.

بقیه در صفحه ۲

درصفحات بعد

انقلاب فرهنگی: حدود و محتوای آن
درج محتوای غلط در مفاهیم بزرگ انقلابی، کاری است نه فقط مضر، بلکه خطرناك...
صفحه ۸

زیمبابوه چگونه به آزادی دست یافت؟
صفحه ۴

اخراج کارگران تاکی ادامه خواهد داشت؟
مسائل کارگری ـ صفحه ۴

کوه‌خواجه میعادگاه هزاران دامدار مهاجر سیستان
مسائل دهقانی ـ صفحه ۵

نورالدین کیانوری: درباره انقلاب ضدامپریالیستی، ضداستبدادی وخلقی مردم ایران

مقاله رفیق نورالدین کیانوری، دبیراول کمیته مرکزی حزب توده ایران ، بااین، عنوان، بمناسبت نخستین سالروز پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، درشماره ۵ (ماه مارس) مجله «کمونیست» ، ارگان تئوریك و سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی انتشار یافت.

درآغاز این مقاله آمده است،

«بدون تردید انقلاب ایران یکی از مهمترین رویدادهای جهان پس از جنگ دوم جهانی است. اهمیت جهانی انقلاب ایران در اینست که علیرغم همه حسابها وپیش‌بینی‌های استراتژهای دنیای امپریالیستی، علیرغم همه پیشگیریها و محکم‌کاریهای بزرگترین قدرت امپریالیستی جهان ـ ایالات متحده آمریکا ـ خلقهای پاخاسته ایران، بادست خالی، یکی از نیرومندترین پایگاههای امپریالیسم وارتجاع را ـ که بحساب گردانندگان رژیم سرنگون شده و ارباباش «جزیره ثبات» در دنیای پرآشوب دوران ما بود ـ درهم شکستند.

درپیامد این انقلاب تاریخی ، در جلو چشمهای بهت‌زده امپریالیسم جهانی، ارتشی که طی بیست‌وپنج سال باخرج دهها میلیارد دلار از ثروت ملی ایران برپا کرده بودند ، فرو ریخت، نظامی که مهره‌های گردانده‌اش را یك به‌یك تربیت کرده واز صافی «اطمینان» عبور داده‌بودند، ازهم‌پاشید. دهها هزار مستشار وجاسوس آمریکائی مجبور به‌فرار شدند وبدینسان یکی از بزرگترین منابع غارتگری برای امپریالیسم بطورعمده تعطیل گردید.

باانقلاب ایران مهمترین پایگاه تجاوز وجاسوسی امپریالیسم درمنطقه ـ تجاوز علیه جنبشهای رهایبخش خلقهای مجاور وجاسوسی علیه اتحاد شوروی ـ درهم‌شکست واستراتژی امپریالیسم نه‌تنها درمنطقه، بلکه درمقیاسی بمراتب وسیعتر دچار سردرگمی گردید.

ضربه‌ای که باپیروزی انقلاب ایران بر پیکر امپریالیسم وارد آمد، بدون تردید درآینده پیامدهای بمراتب دردناکتری برای غارتگران جهان ببارخواهد آورد.

انقلاب ایران صفحه پرارزش تازه‌ای به مجموعه تجربیات گرانبهای جنبش‌های انقلابی سراسر جهان افزود وبانوآوریهای خود درس دیگری به‌جنبشهای انقلابی خلقهای محروم و زیرستم امپریالیسم داد.

دربخش دوم این‌مقاله زیرعنوان،

شرایط عینی رشد جنبش انقلابی ایران

آمده است،

«درسالهای اخیر وبویژه ازآغاز سالهای ۷۰ تضادهای درون جامعه ایران و تضادهای جامعه ایران باتسلط غارتگرانه امپریالیستی بطور روزافزونی روبه‌شدت گذاشتند.

محصول اقتصاد وسیاست وابسته به‌امپریالیسم رژیم‌حاکم بر ایران این بودکه، علیرغم رشد بی‌سابقه درآمد ملی در پیامد بالا رفتن تصاعدی میزان تولید نفت خام وبالا رفتن سریع بهای نفت خام، غارتگری طبقات حاکمه و انحصارهای امپریالیستی بطور بی‌سابقه‌ای گسترش یافت، درحالیکه‌درشرایط زندگی اکثریت‌مطلق مردم ایران نه تنها هیچگونه بهبود محسوسی پیدا نشد، بلکه برعکس، بویژه‌درسالهای‌بلاواسطه پیش‌ازانقلاب، هرروزسختی‌های زندگی شدت می‌یافت.

سیاست نظامیگری رژیم خود شدیدترین فشاررا بر پیکر اقتصاد ایران وارد میساخت. از ۱۰۰ میلیارد دلار درآمد ۵ساله (۱۹۷۲ـ۱۹۷۷) دولت ایران ازفروش نفت، نزدیك به ۴۰ میلیارد دلار برای خرید جنگ‌افزار و تقریباً معادل همین مبلغ برای نگهداری یك ارتش چهارصدهزارنفری تا دندان مسلح بدورریخته می‌شد، درحالیکه دهها میلیون مردم زحمتکش شهروروستای ایران ازابتدائی‌ترین وسائل زندگی، یعنی خوراك کافی، مسکن، پوشاك، خدمات پزشکی وآموزش محروم بودند.

دربخش سوم این مقاله زیرعنوان،

دوگرایش درجریان گسترش واوجگیری انقلاب ایران

خاطرنشان شده است،

«ازهمان آغاز گسترش جنبش انقلابی ایران، دوگرایش سیاسی دراین جنبش پدیدارشد. یکی گرایش رادیکال وآشتی‌ناپذیر خلقی ودیگری گرایش سازشکارانه بورژوازی لیبرال.

درجریان اوجگیری جنبش، این دوگرایش هرروز بیشتر شکل گرفتند و متشکل شدند و برای بدست گرفتن رهبری کوشا گردیدند .

گرایش آشتی‌ناپذیر بازتاب خواستهای نیروهای خلقی و محرومان جامعه بود، همان طبقات واقشاری که درزیر تسلط رژیم غارتگر وابسته سلطنتی ازهمه چیز محروم بودند.

زحمتکشان شهروروستا، کارگران و دهقانان زحمتکش، فراریان ازروستا بهشهر، قشرهای پائینی خرده‌بورژوازی زحمتکش شهری، روشنفکران زحمتکش، جوانان و روحانیون مبارزی که اکثراً ازمیان خلق بیرون آمده بودند، دراین جبهه نبرد قرار میگرفتند. این نیروها خواستار ریشه‌کن ساختن تسلط امپریالیستی درهمه زمینه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی وفرهنگی بودند؛ خواستار آن بودند که رژیم پوسیده فاسد سلطنتی سرنگون گردد وجمهوری خلقی جانشین آن شود، گردانندگان رژیم، ازشاه خونخوار گرفته تا مامورین جنایتکار ساواك وهمه دژخیمان وخائنین محاکمه ومجازات گردند؛ خواستار آن بودند که به غارتگری سرمایه‌داری بزرگ وابسته وزمینداران بزرگ پایان داده شود وثروتهای غارت شده ازراه مصادره به صاحب اصلی آن، یعنی توده‌های دهها میلیونی خلق

بقیه در صفحه ۲

برای مبارزه باامپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

www.iran-archive.com

اصل قانون اساسی را در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی اجرا کنید!

اتحاد نیروهای...

بقیه از صفحه ۱

دهی میکند. خطریکه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران راجدا تهدید میکند، امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکاست **این خطر کاملا واقعی است.** اکنون واقعی بودن آن برای کمتر کسی پوشیده است. زیرا سردمداران امپریالیسم ودرراس آنها دولت آمریکا بی‌پرده به تدارک مادی و معنوی آن پرداخته‌اند. تجاوز نظامی را یك‌بار در کویر مرکزی ایران عملا پیاده کردند و از شکست آن عبرت نگرفتند که هیچ، بلکه مانند گرگ تیرخورده بر نکر و درندگی خودافزودند. خبرگزاریها به تفصیل تدارکات گسترده (عده سربازان اعزامی از کالیفرنیا به اقیانوس هند، نوع و تعداد سلاحها و غیره) جهت اجرای تجاوز وسیع‌تری از تجاوز پیشین و حتی زمان تقریبی پیاده‌کردن آن (در ماه ژوئن یعنی خرداد ماه) راخبر داده‌اند. سناتورآمریکائی «بریج بایه» از «درز کردن اخبار» مربوط به تجاوزنظامی نقش برآب‌شده امریکااظهار نگرانی کرده‌است، زیرا «گزارشات‌خبری در مورد این عملیات ممکن است بـه ماموریت‌های ما در آینده لطمه بزند و جان افرادی را که‌ممکن است هنوز در ایران باشند (که لابد هستند) به‌مخاطره بیاندازد». رئیس‌جمهور آمریکا کارتر از آقای سناتور هم قدم را فراتـر گذاشته، رسما امکان استفاده از نیروی نظامی در آتیه را ممکن اعلام داشته است.

این خطر اصلی است، زیرا شبکه ضدانقلاب داخلی، که در نتیجه‌پیروزی انقلاب «سران» خود را از دست داده و دچار تشتت شده‌است، بدون ارتباط و اتکاء به امپریالیسم، بدون نقش رهبری و سازماندهی آن در مقابل نیروهای متحد خلق، قادر به اجرای کودتای ضدانقلابی نیست. تجاوز نظامی آمریکا، که این‌بار در مقیاس وسیع‌تری طرح‌ریزی‌و تدارك شده نیز بهمین‌منظور است که‌در صورت عدم توفیق یك کودتا در مقیاس کشور، لااقل در بخشی از اراضی‌ایران پایگاهی برای تمرکز رهبری داخلی، سازماندهی و بسیج ضدانقلاب و رساندن تجهیزات‌ووسائل‌خرابکاری‌به‌آن‌پیاده‌شود. بدین‌ترتیب اهمیت‌وحدت‌عمل‌همه‌نیروهای خلقی در درازمدت نیز بخوبی آشکار می‌شود.

اهمیت وحدت همه نیروهای خلقی‌در دراز مدت تنها برای پیگیری در دفاع‌از انقلاب و جمهوری‌اسلامی ایران نیست. چنین‌وحدتی برای نوسازی بنیادی همه شئون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی کشور نیز ضروری است.

با نوسازی بنیادی جامعه‌ایکه از رژیم طاغوتی بما بارث رسیده است، می‌توان درمقابل دسایس، تحریکات و خرابـکاریهای دشمن خارجی و داخلی‌احساس مصونیت کرد. جامعه‌ایکه ازرژیم طاغوتی شاهنشاهی برای ما به ارث باقی مانده، جامعه‌ایست مرکب از طبقات و اقشار گوناگون اجتماعی. فقط شاه مخلوع و ایدئولوگهای خدمتگزارش بودند کـه نظریه «بی‌طبقه بودن» جامعه ایران را ساختند و ترویج می‌کردند.

بطوریکه رهبر انقلاب ایران، امام خمینی، به کرات‌متذکر شده‌اند، جامعه زمان طاغوت از مستکبران (یعنی طبقه اقلیت استثمارکننده) و مستضعفان (یعنی توده‌های‌وسیع‌زحمتکش و استثمارشونده) تشکیل شده بود. و دیدیم تاریخ، کـه سازندگانش همین اکثریت عظیم‌زحمت‌کش است، چگونه با قضاوت روشن و قاطع خود نظریهٔ «بی‌طبقه بودن» جامعه ایران را محکوم کرد. سردمداران و نظریه‌سازان طبقه مستکبر یـا بدامان اربابان همجنسشان گریختند و یابسزای اعمال خود رسیدند. بازماندگان هنوز سرکوب نشده‌شان، با دسیسه وتحریك وخرابکاری ، در پی‌فرستند تا در لحظه مناسب، بکمك و اشاره امپریـالیسم آمریکا،ضربه‌کاری‌برانقلاب واردآورند. درمقابل آنها فقط و فقط نیروی متحد طبقات و قشرهای‌ضدامپریالیست وزحمت‌کش جامعه: کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، کسبه،روشنفکران‌مترقی،دانشجویان و دانش‌آموزان فرزند خلق‌اند که قد علم کرده و میکنند. آنها نه‌فقط دارای اعتقادات مذهبی گوناگون، افکارسیاسی رنگارنگ، اندیشه‌های‌فلسفی‌مختلف‌اند، بلکه حتی برخوردشان‌بیك مکتب فلسفی، عقیدتی، سیاسی و مذهبی معین نیزاغلب مختلف و گوناگون است. اما با وجود ایدئولوژیها، عقاید، افکار و آرزوهای مختلف، همه آنها خواهان ایرانی مستقل آزاد و آبادند.

نه توده‌های مردم و نه رهبر انقلاب، هیچیك احیای نظام طبقاتی و رژیم‌طاغوتی را نمی‌خواهند و مصمم‌اند بـا قاطعیت، فداکاری و ایثار جلوی هرگونه تلاشی برای برپا کردن چنان نظام اجتماعی را بگیرند، نظامی که در ماهیت خود همـ جنس با نظام سرمایه‌داری (استثماری) غرب و از بدترین نوع آن بود. یکی از دلایل اینکه امپریالیسم، و در راس‌آن امپریالیسم آمریکا، همه تلاشهای خود را برای تحمیل چنان رژیم اجتماعی بما کرد و میکند،نیز همین‌یکجنسی ماهوی این نظامهای استثماری است.

توده‌های مردم نظام طبقاتی و رژیم سرمایه‌داری را مردود میدانند و انقلاب شکوهمند خود را شرط ضروری اولیه‌و قدم اساسی نخست در راه رشد غیرسرمایه‌داری وگذاربه‌جامعه عدل‌و قسط میشمارند. این راه باید راه تاریخـی نزدیك کردن اقشار مختلفه خلق باشد نه دورتر کردن‌آنها از یکدیگر. این‌راه باید راه تاریخی اختلاف‌زدائی باشد نه تفرقه‌افکنی و تعمیق نفاق گـروه‌هـا ، سازمانها و احزاب. بدین ترتیب وحدت نیروهای گوناگون موجود خلقی‌از لحاظ دراز مدت برای نوسازی بنیادی جامعه ضروریست.

لیکن با کمال تاسف دیده میشودکه نظریه‌سازان تازه‌ای بمیدان آمده‌اند که حتی «چهره‌هائیرا که صمیمانه بـه ایران، به انقلاب، و حتی بامـام عشق میورزند» نیز بنام«جریان ازسطح به‌عمق» آشکارا درمقابل«جریان‌از عمق به‌سطح» (یعنی خود این صاحبنظران) میگذارند و کار رابجائی میکشانند که حتی‌فاصله بین این دو جریان را «فاصله بفرصت مسافت لویر تا جنـگل» و «مسافتـی دلهره‌انگیز» میدانند.

در دوره تدارك انقلاب همه گروهها، احزاب و نیروهای سیاسی، همه مردم کشور که ضرورت نوسازی‌انقلابی جامعه را درك کرده بودند، دانسته و آگاهانه، باوجود اختلاف آراء و عقاید و آرزوهایشان، زیر پرچم اسلام انقلابی کـه امام‌خمینی افراشته به پیش میبرد، متحد شدند. انقلاب را نیروهای‌متحدخلق اجرا کرد و به پیروزی رساند. اقشار متحد خلق آن پایگاه اجتماعی مقتدر و نیروی مجسم واقعی شد که بدون آن انقلاب و پیروزی آن متصور نبوده و نیست.

اکنـون نیـز فقط و فقط ارتش بیست میلیونی خلق است، که در صورت‌بسیج لازم و تجهیزات کافی، قادر است هرـ گونه فشار اقتصادی، دیپلماسی،سیاسی و بالاخره تجاوزنظامی‌امپریالیسم آمریکا و خرابکاری ضدانقلاب پرورده آنرا در نطفه خفه سازد.

آیا در شرایط فعلی که انقلاب‌و جمهوری اسلامی ایران را خطری واقعی، جدی و توانا تهدید میکند، درست‌است که انگشت روی اختلافات ایدئولوژیك‌و عقیدتی گذاشته شود، روی جنبه‌هـای تفرقه و نفاق تکیه گردد، با نظریه‌سازی درلفافه عبارات مجرد کار بجائی کشیده شود که آشکارا «شکست‌از نظرسیاسی و نظامی برای حرکت اسلامی انقلاب شایسته‌تر از شکست در محتوی و در ابلاغ و تحقق پیامهای آن» دانسته شود و ترویج گردد؟! و ظاهرا خواننده و شنونده را به این امید دلخوش کنندکه گویاپس از این شکست‌سیاسی و نظامی بازهم «امکان تجدیدقوا و ظهورخیزش‌های نوین» باقی خواهد ماند...

بعبارت ساده‌تر، چنین نظریه‌ای‌ترویج گردد که: شکست سیاسی و نظامی در مقابل امپریالیسم آمریکا شایسته‌تر است از اتحاد(آنهم، به گفته‌این‌صاحب‌نظران، نه با نیروهای‌دیگر که«جریانهای شناخته‌شده» اعلام و یك‌باره دور آنها خط کشیده میشود) بلکه‌حتی با هـمـ «مکتبی»های خودشان نیز؟!

آیا این‌ترجیح‌صریح شکست سیاسی و نظامی (آنهم درست در لحظه کنونی که امپریالیسم تدارك مـادی و معنوی گسترده‌ای برای وارد کردن چنین‌شکستی به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دیده است) خواه‌ناخواه به مساعد کردن زمینه فکری جهت پذیرش نتایج احتمالی تجاوز امپریالیسم به‌ایران کمك نمیکند؟

آیا این عمده کردن اختلافات آنهم تا این درجه «دلهره‌انگیز»، و مخالفت سرسختانه با هرگونه اتحاد با گروه‌ها و احزاب و سازمانها، در سمت«محتوی انقلاب و ابلاغ و تحقق پیامهای آنست»؟!

وآیا چنین‌نظریه‌ای بمعنای انحصارـ گرائی، آنهم بدرجه افراطی آن، یعنی: «یا «جریان از عمق به‌سطح» به تنهائی و یا شکست سیاسی و نظامی انقلاب» نیست؟!

مطلق‌کردن «اشکالات اتحاد»، عمده‌ـ کردن موارد اختلاف، بزرگ کـردن مسافات و جدائی‌های بیـن گـروه‌هـا، سازمانها و احزابیکه وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران‌اند، زیر هرعنوان که باشد، در عمل بضرر انقلاب و به نفع دشمن اصلی انقلاب ـ امپریالیسم آمریکاست.

نیروها، احزاب، سازمانها و گروههای مومن و وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، قطع‌نظر از عقاید مسلکی‌و سیاسی، میتوانند و باید برای دفاع از انـقلاب و جمهوری اسلامی ایران و بر ضد دشمن مشترك سامپریالیسم، بـه سرکردگی امپریالیسم آمـریکا، متحد شوند.این‌اتحاد وثیقه مطمئن پیروزی قطعی و نهائی بر دشمن، وثیقه مطمئن برای ساختمان‌ایرانی مستقل، آزاد و آباد است. ایـن اتحاد ضرورت تاریخی و حیاتی جامعه ماست. باید در تحقق آن کوشید، تا بتوان در برابر انقلاب، خلق و تاریخ سربلند بود.

رفیق نورالدین کیانوری...

بقیه از صفحه ۱

بازگردانده شود؛ خواستارآن بودندکه درنظام اجتماعی‌واقتصادی جامعه دگرگونیهای بنیادی برای تامین حقوق محرومان جامعه و درجهت محدودکردن امکان غارتگری واستثمار سرمایـه‌داران و مالکان بوجود آید.

خلقهای ایران جانشان به لب رسیده بود. آنهـا دشمنان داخلی وخارجی را بدرستی شناخته بودند و روزبـروز بیشتر و مصممانه‌تر آماده میشدندکه درنبرد برای درهم‌شکستن‌این دشمنان شرکت جویند ودراین‌راه تا پیروزی‌نهائی‌ازپای ننشینند.

گرایش دوم، گرایش قشرهای مرفهی بـودکه زیـر فشار محدودیت‌های‌ناشی‌ازتسلط سرمایه‌های مالی‌امپریالیستی‌وغارتگری انحصاری وابستگان بـه رژیم و طبقات حاکمـه واختناق سیاسی غیرقابل‌تحمل، به صفوف مبارزان‌گرویده بودند. انگیـزه شرکت این‌اقشار درمبارزه غیرازانگیزه خلق مبارزبود. این اقشار مرفه بورژوا لیبرال با تسلط غارتگرانه انحصارهای امپریالیستی بـر اقتصادایران موافق‌نبودند وخواستار برقراری‌مناسبات«عادلانه»ـ تری درچهاول ثروتهای ملی بودند. آنها با اختناق ساواکی‌علیه بورژوازی لیبرال، که هیچگونه شرکتی‌دراداره کشورنداشت،موافق نبودند وبجای‌آن شکلی ازهمکاری سیاسی‌واقتصادی «عادلانه‌تری» را با سرمایه‌داری بزرگ وابسته بـه انحصارهـای امپریالیستی پیشنهاد میکردند. آنها خواستار آزادی برای فعالیت سیاسی و میدان وسیعتری برای فعالیت اقتصادی بورژوازی لیبرال ایران میخواستند. آنها با خرید جنگ‌افزار، به آن صورت‌که رژیم‌شاه مخلوع انجام میداد، موافق نبودند، ولی بافکرقطع رابطه نظامی با امپریالیسم نیزموافقتی‌نداشتند. برعکس، چنین رابطـه‌ای را ضمانتی برای نگهداری نظام سرمایه‌داری در مقابل خطری‌که از طـرف نیروهـای مبارز انقلابی خلقـی ممکن بود متوجه آن شود، می‌دانستند.

دربخش‌چهارم این‌مقاله زیرعنوان:

نقش برجسته وتاریخی امام خمینی

آمده است:

نقش برجسته **امام خمینی** دراین بودکـه همه خواستهای مردم انقلابی‌را درچارچوب جنبه‌های‌ضداستبدادی، عدالت‌پرورانه ومردمی‌اسلام بازتاب‌داد وازراه این‌تلفیق توانست‌نیروی‌اعتقادات مذهبی توده‌های دهها میلیونی محرومان جامعه‌را، که صدهاوصدها سال ازطرف طبقات حاکمه باکمك روحانی‌نمایان وابسته به‌آنان، درجهت تحکیم بردگی وعبودیت مـورد بهره‌گیری قرارمیگرفت، درجهت مبارزه انقلابی علیه دشمنان واقعی‌خلق، علیه‌امپریالیسم و استبداد سلطنتی وغارتگران اجتماعی، یعنی بزرگ‌مالکان وکلان‌ـ سرمایه‌داران وابسته بسیج کند.

نقش‌برجسته **امام خمینی** دراین‌بودکه‌باقاطعیت‌وبی‌تزلزل دربرابرجبهه بورژوازی لیبرال وروحانیون سـازشکار وتسلیم‌طلب ایستادگی‌کرد ونبردبزرگ‌خلقهای ایران را،که‌با ازخودگذشتگی وشهامت‌کم‌نظیری‌دراین‌جنگ تا برابر گام‌گذاشته‌بودند، تاپیروزی تاریخی رهبری‌کرد.

کاملا طبیعی بودکه **امام خمینی** بـا آن شناخت از ریشه بدبختی‌های جامعه‌ایران، باآن قاطعیت‌وپی‌گیری وتزلزل‌ناپذیری وبا آن شهامت‌کم‌نظیریك انسان مبارز، پرچم‌واحد جنبش‌انقلابی خلقهای ایران‌گردید.

حزب تودهٔ ایران خط **امام خمینی** رابدرستی شناخت و پشتیبانی بیدریغ خود را ازاین خط اعلام‌کرد. حزب‌ما در **خط امام** پنج عنصرتعیین‌کننده سیاسی‌ـاجتماعی تشخیص‌داد وبرپـایه این ۵ عنصر، که بازتاب خواست‌های وسیعترین توده‌های میهن ما درمرحله‌کنونی انقلاب ضدامپریالیستی، دمکراتیك وخلقی‌هستند، سیاست پشتیبانی وهمگامی خـود را پی‌ریزی‌کرد. چنین‌اند این پنج عنصر:

۱ـ سمتگیری قاطع وآشتی‌ناپذیر درجهت ریشه‌کن‌کردن همه اشکال سیاسی، اقتصـادی، نظامی و فرهنگی تسلط امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، برجامعه ایران،

۲ـ سمتگیری قاطع وآشتی‌ناپذیردرجهت‌برانداختن نظام پوسیده وفاسد سلطنتی ورژیم استبدادی.

۳ـ سمتگیری درجهت تامین‌کلیه آزادیهـای سیـاسی و اجتماعی برای خلق،

۴ـ سمتگیری درجهت عملی‌ساختن دگرگونیهای بنیـادی درنظام اقتصادی جامعه، برای ازبین‌بردن غارتگری‌سرمایه‌داران وابسته وزمین‌داران بزرگ وبهبود همه‌جانبه شرایط زندگی‌توده‌ـ های دهها میلیونی محرومان وزحمتکشان،

۵ـ سمتگیری درجهت گردآوردن واتحـاد همه نیروهای راستین انقلابی خلق برای رسیدن به این‌هدف‌های والای ملی و خلقی.

با این‌محتوی، شعارهای تاریخی **امام‌خمینی**دائر براینکه، **«آمریکا، شیطان بزرگ، دشمن بزرگ،دشمن شماره‌یك»، خلقهای میهن ما و همهٔ محرومان جهان است وشاه، نوکر آمریکا، دشمن شماره دوم، همه با هم متحد شوید و بپاـ خیزید وهجوم بیاورید تا این دو دشمن راازپا در آوریم، به شعار واحد ومتحد همه نیروهای خلق بدل شد.**

درزیراین شعار، باتظاهرات عظیم خلق، نبردهای تاریخی خیابانی، یکی پس از دیگری، نه تنها در شهرهای بزرگ، بلکه درشهرکها وحتی بسیاری از روستاها شکل یافت و مـانند سیـل خروشانی سدهای آهنین تانکها ومسلسلهای‌رژیم را مانندپوشالی از جلوی راه خود روبید.

قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن را بایدحلقه نهایی انقلاب‌شکوهمند وبزرگ خلقهای ایران و آغاز مرحله جدیدی از تاریـخ تکامل اجتماعی‌خلقهای میهن‌ما دانست.

قیام بهمن دارای این اهمیت هم هست‌که برای نخستین‌بار درجریان انقلاب فراگیر ایران درسال ۱۳۵۷،واحدهایی‌ازارتش بطور فعال به جنبش انقلابی پیوستند وبا همکاری با نیروهای‌مسلح انقلابی، آخرین سنگرمقاومت‌ـلشکر « گارد جاویدان شاه» را، که خطرجدی برای انقلاب‌بوجود آورده بودوبه حمله‌متقابل‌برای سرکوب جنبش انقلابی دست زده بود، درهم شکسته وموجب شدند که ارتش « شاهنشاهی ـ آمریکایی» از هم پاشیده‌شود و یکی از شیطانی‌ترین نقشه‌های امپریالیسم آمریکا در آخـرین مـرحله فروریزی نظامی دست نشانده‌اش، نقش برآب گردد.

امپریالیسم آمریکا تمام‌کوشش خود را بکار برد، تابه‌کمك بورژوازی لیبرال سازشکار، ارتش را بصورت‌گذشته نگهدارد، تا درموقع لزوم از آن برای انجام نقشه‌هایی مانندکودتای ۱۹۵۳ بهره‌گیری‌کند.

قیام میهوردانه نیروهای انقلابی ارتش‌ونیروهای مسلح‌خلق در ۲۱ و ۲۲ بهمن، این نقشه مزورانه و خطرناك را بطـورقطع خنثی ساخت وپیروزی انقلاب را بطور قاطع تضمین‌کرد.

دربخش پنجم این‌مقاله زیرعنوان:

دولت موقت انقلابی، دوگـرایش‌در دوران‌پس‌ازپیروزی، دومرکزقدرت

خاطرنشان شده است:

درپی‌آمد یك رشته‌عوامل عینی‌وذهنی، ازهـمان فـردای پیروزی انقلاب، یك‌دوگانگی درمراکز قدرت بوجود آمد.

هواداران‌پیگیر **امام‌خمینی** نهادهای‌انقلابی مانندشورای انقلاب، کمیته‌های انقلاب، دادگاههای انقلاب، نیروهای مسلح پاسداران انقلاب و بنیادمستضعفین رادردست گرفتند وبورژوازی لیبرال باتمام کادرهای اداری و فنی‌اش دستگاه دولتی را قبـضه کرد.

اگرچه دستگاه دولتی، که‌دردست بورژوازی لیبرال‌بـود، درحرف خودرا پیروخط **امام‌خمینی** اعلام‌میکرد، ولی درواقع با تمام‌قوا می‌کوشیدکه ازعمیق‌تر شدن انقلاب، چه درسمتگیری‌ضدـ امپریالیستی وچه درسمتگیری خلقی‌اش جلوگیری کند وانقلاب‌را درچارچوب سازش با امپریالیسم و سرمایه داری بـزرگ وابسته نگهدارد.

ولی‌علیرغم این دوگانگی درقدرت، علیرغم همه‌کوششهای ترمزکننده لیبرال‌ها مقاومت عوامل ضدانقلاب، زیرفشارنیروهای انقلابی وبارهنمودهای قاطع **امام خمینی** درزمینه انجام‌اقدامات جدی‌برای ریشه‌کن‌کردن تسلط امپریالیسم وطبقات حاکـمه نظام شاهنشاهی، یك‌رشته اقدامات چشمگیر وبااهمیت درزمینه‌هـای سیاسی واقتصادی ونظامی وباکسازی‌مقامات مسئول دولتی عملی گردید،مستشاران آمریکائی اخراج شدند. عده زیادی ازقراردادـ های‌نابرابرباامپریالیسم لغوگردید. خریدجنگ افزار ازآمریکاو کشورهای ناتو، که‌سفارشاتش به‌دهها میلیارد دلاربالغ میگردید، متوقف‌شد، صدهانفر ازگردانندگان وجنایتکاران رژیـم‌شاه مخلوع بازداشت، محاکمه واعدام‌شدند. ثروت‌های هنگفـت آنـان بـود محرومان مصادره‌گردید. بخش‌مهمی‌ازصنایع بخش‌خصوصی، بانك‌ـ های‌خصوصی وامپریالیستی، شرکتهای بیمه غیردولتی، که‌متعلق‌به اعدام شدگان وفراریان وابسته به‌رژیم گذشته‌بود، مصادره وباملی شد. عده‌زیادی ازسرسپردگان رژیم‌سرنگون شده ازمقامات حساس ارتش‌وپلیس وژاندارمری وادارات دولتی‌برکنارشدند.

بدون‌تردید اینها دستاوردهای مهم‌انقلاب ایران هستند، که همه‌آنها، علیرغم مقاومت سرسخت بورژوازی لیبرال‌ایران، عملی شده‌اند.

دربخش ششم این مقاله زیرعنوان:

روند تثبیت وتحکیم وگسترش انقلاب ایران به‌پیش میرود

آمده است:

علیرغم هیه دسائس امپریالیستی وضدانقلابی، علیرغم همه فشارهای سیاسی واقتصادی وتهدیدات نظامی ازبیرون وتوطئه‌های پی‌درپی‌ازدرون، علیرغم مشکلات عظیم‌ناشی ازفروپاشی نظام‌پوسیده سرنگون شده وخیانت‌های بازماندگان‌آن رژیم، علیرغم‌کمبودهاو اشتباهات دررهبری‌انقلاب،آری، علیرغم همه این دشواریهاانقلاب ایران‌هرروزگام تازای بسوی تثبیت وتحکیم وگسترش برمیدارد.

تصویب قانون اساسی، بـا وجود بعضی کمبودها و نقایش، تائیدآن بوسیله اکثریت سنگین مـردم ایران و انتخاب نخستین رئیس جمهور،گامهایی است مهم بسوی این تثبیت.

ولی ملت ما بیدار است و میداندکه هنوز خطرات بسیار بزرگی انقلاب ایران‌را تهدید میکند. امپریالیستها، بسرکردگی امپریالیسم‌آمریکا، وهمه قدرتهای ارتجاعی منطقه حتی یك‌لحظه‌هم از توسل به‌همه دسائس برای شکست انقلاب ایران و بازگرداندن وضع‌گذشته درنگ نخواهندکرد.

از اینجهت عمده‌ترین مسئله امـروز جنبش ملی و انقلابی ایران، اتحاد همه نیروها برای دفاع از دستاوردهـای انقلاب و بازگشت‌ناپذیرکردن‌آنست.

امام خمینی وحـزب توده ایران پیوسته همه نیروهـای ضدامپریالیستی وخلقی‌را به‌این اتحاد، به **«وحدت کلمه‌ووحدت عمل»** فرامیخوانند.

سیاست نفاق‌افکنانه رهبران چین درجنبش انقلابی ایران هم‌مانند همه‌جنبش‌ها نقش خرابکارانه‌ای‌را ایفامیکند. گروهکهای وابسته به‌پکن، با رنگهای گوناگون وامکانات مالی فراوان، تنها درجهت پراکندن اتحاد خلق درنبرد علیه امپریالیسم‌آمریکاوضدـ انقلاب «شاهنشاهی» عمل میکنند . سازمانها و گروههای جوان و کم‌تجربه چپ‌گرا هم با ارزیابیهای نادرستی‌که از امکانات جنبش انقلابی در مرحله‌کنونی دارند، با اتخاذ یك سیاست سکتاریستی، صدمات جبران‌ناپذیری به‌روند تثبیت وتحکیم انقلاب میزنند.

مبارزه پیگیروخستگی‌ناپذیر برای‌تشکیل‌جبهه متحد خلق‌ـجبهه‌ای که همه نیروهای‌راستین انقلاب ضدامپریالیستی، دمکراتیك و خلقی ایران‌را‌ـاز هواداران پیگیر خط امام‌خمینی گرفته‌تا هواداران راستین سوسیالیسم‌علمی‌ـ دربرمی‌گیرد، مهمترین‌وظیفه انقلابیون‌ایران است.

حزب توده ایران همه تلاش خـود را در راه تشکیل چنین جبهه‌ای بکار می‌بندد.

کنفرانس ورشو...

بقیه از صفحه ۱

در زمینه روابط‌میان‌کشورـ های"دارای‌نظام‌اجتماعی‌متفاوت، بویژه در قاره اروپامـوفقیتهای چشمگیری بدست آمده است.اما این‌کامیابیها وپیشرفتها درنتیجه مبارزات سیاسی پیگیربامخالفان تشنج‌زدائی‌وهمکاریهای مسالمت‌ـ آمیـز بدست آمـده است . در دستیابی به این پیروزیها کشور های سوسیالیستی عضوپیمان‌ورشو نقش عمده را داشته و همواره در صف مقدم مبارزان در راه‌صلـح قرارگرفته‌اند.

کشورهای سوسیالیستی‌عضو پیمان ورشو بـرای‌کسب برتری نظامی تلاش نمیکنند،وهـیچگاه قصد نداشته و ندارندکه در وارد کردن نخستین ضربـه هستـه‌ای پیشقدم‌باشند،این‌کشورها درصدد برقراری‌کنترل نظامی خـود بر مناطقی ازجـهان ویـا خـطوط مواصلات‌بین‌المللی‌نبوده‌ونیستند. کشورهای سوسیالیستی‌عضوپیمان ورشوبرآنندکه‌تعادل‌قدرت‌نظامی در سطوح هرچه‌پائین‌تری‌برقرار شود.

کشورهای عضوپیمان ورشو باردیگرآمادگی‌خود را بـرای انحلال پیمان ورشو، به شرطی‌که دول غربی‌متقابلا پیمان ناتو را منحل‌سازند، اعلام‌داشتند.

در اعلامیه تاکید شده است که ،

درحال‌حاضراوضـاع جهان بوخامت گرائیده و تلاشهـای جلوگیری از روند تشنج‌زدایی‌و به مخاطره انداختن صلح روبـه افزایش است. ایـن گـرایشهای خطرناك ومنفی از نتایج سیاست امپریالیستی‌اتـکاء بـه قدرت و برتری‌جوئی وسلطه‌طلبی است.

دول امپریالیستی با اعمال چنین سیاستی‌حق‌حاکمیت‌کشورها را نقض میکنند، درامور داخلی آنان مداخله مینمایند وبمسابقه تسلیحاتی شتـاب‌میدهند. تصمیم پیمان‌ناتودرمورد تولیدواستقرار موشکهـای هستـه‌ای میـان‌برد آمریکائی در خـاك کشورهـای اروپـائی بروخـامت اوضـاع میافزاید وپی‌آمدهای‌خطرناکی دربردارد.

دردوران اخیردولت‌آمریکا بانقض خشن‌قراردادها وموافقت‌ـ نامه‌های بین‌المللی به‌روندتشنج‌ـ زدائی لطمه‌هـای سنگین وارد آورده است.

بقیه درصفحه ۷

www.iran-archive.com

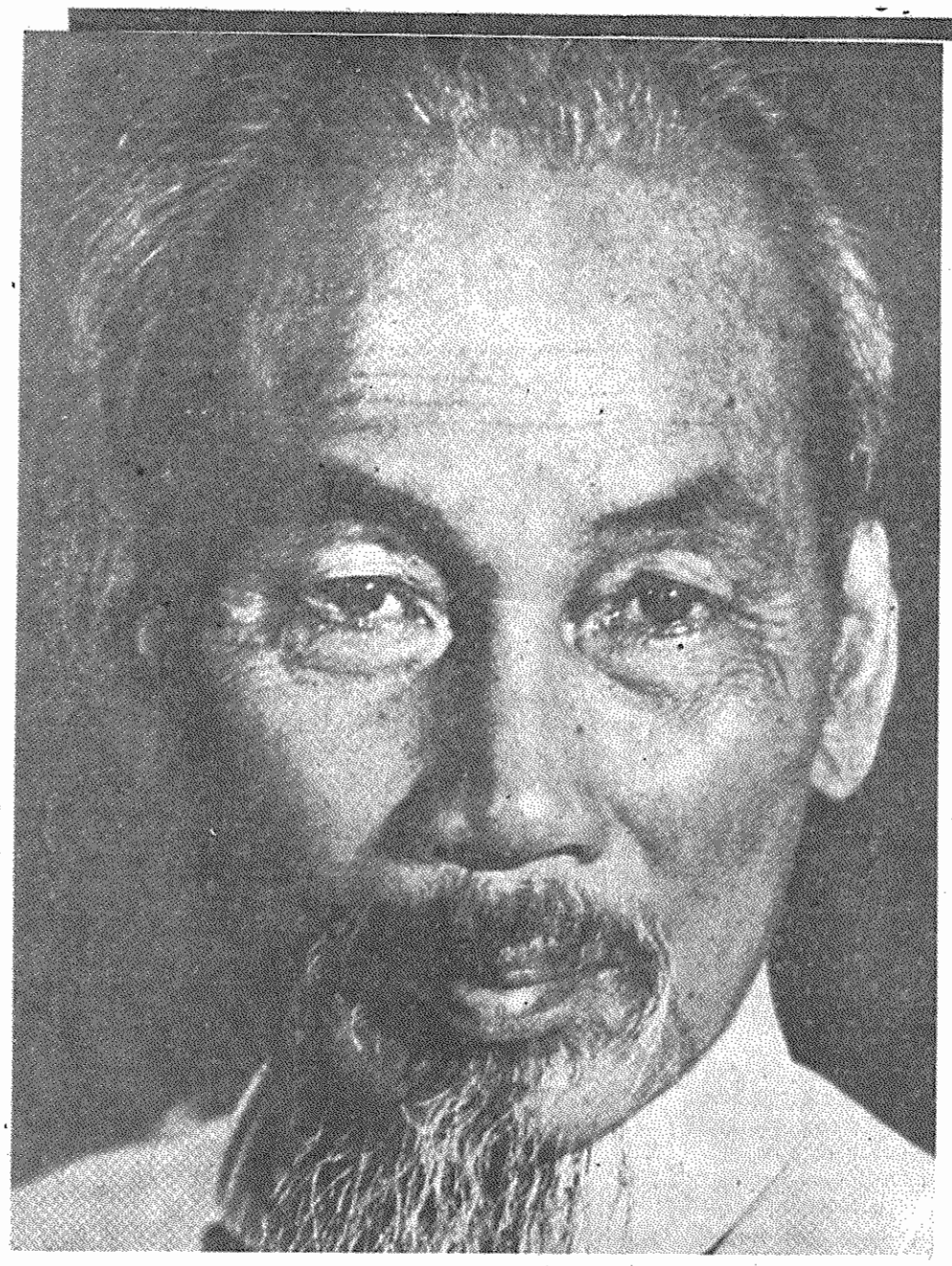

نودمین زادروز
هوشی مین
رهبر کبیر خلق ویتنام

نودسال از زادروز هوشی‌مین، رهبرکبیر خلق ویتنام میگذرد. این یادبود برجسته، بهمراه‌دو یادبود دیگر، یعنی پنجاهمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ویتنام (۱۴ بهمن ۱۳۵۰) و سی‌وپنجمین سالگرد تاسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام (۱۱ شهریور ۱۳۲۴) - «منبع الهامی است برای خلق‌وحزب و ارتش ویتنام جهت کسب موفقیتهای بزرگ‌درساختمان سوسیالیسم و دفاع از میهن سوسیالیستی واجرای‌موفقیت - آمیز وظایف‌انترناسیونالیستی».

آری، پنجاه سال زندگی این‌مبارز رزمنده باتاریخ حزب پرافتخار وخلق قهرمان ویتنام توأم‌بود. گرچه اودیگر زنده نیست، ولی اندیشه و رهنمونهایش برای همیشه جاودان خواهد بود . تنها خلق اونیست‌که ازتجربیات‌زندگی‌نمونه او بهره میبرد. رزمندگان و مبارزان ضدامپریالیستی تمام جهان از نیروی‌او جان میگیرند ودر راه هدفهایش‌مبارزه میکنند.

هوشی‌مین مبارزی شگرف، باپیش از پانزده‌نام‌گوناگون، درهمه‌جا، ازآسیا گرفته تااروپا، نبرد قاطع خود را علیه امپریالیسم، این دشمن غدار خلق‌ها ادامه داد. اوتصویرهای خارق‌العاده‌ای از خود بجا گذاشته است . وی انسان بزرگی بودکه توانست در طول عمرش ساده باقی بماند وحتی یك لحظه‌نیز مسئولیت خطیرش را فراموش نکند . شخصیت اودرتمام شرایط درپشت‌سنگرها یادرقصرهای دولتی، در مذاکرات یا در رهبری حزبش، بیش از هرچیز نگران خوشبختی خلقش بود.

نودسال پیش(۲۹ اردیبهشت۱۲۲۹) نگوین‌تات‌تان که بعدها به‌نام‌هوشی‌مین معروف گشت، در قصبهٔ بوسی‌مادرش هوانگ‌ترو بدنیا آمد. اوسومین‌فرزند خانواده‌اش بود. ازهمان عنفوان جوانی بحث‌های پدرش بارفقای وطن‌پرستش، وستم‌گریهای استعمارگران فرانسوی،او را لبریز ازعشق به‌میهن ومردمش‌کرد. اودر ناحیه‌ای بدنیا آمده بودکه دارای سنت مبارزه علیه‌طبیعت لجوج ومقاومت قهرمانانه در مقابل استعمارگر خارجی بود . باین‌ترتیب هوشی‌مین از پانزده سالگی در خروش مبارزات میهنی قرار گرفت وبکارهای زیرزمینی مانندهمکاری با مبارزین جوان دانشگاهها پرداخت.

وی‌پس‌از اتمام تحصیلات‌دانشگاهی (۱۹۰۵ـ۱۹۱۰) وشکست جنبشهای وطن‌پرستانه ـکه‌نتیجه دوری از اهداف سیاسی انقلاب ویتنام، یعنی‌کوتاه کردن دست استعمارگران فرانسوی وکسب استقلال ملی وازبین‌بردن روابط ارباب رعیتی و پخش زمین بدهقانان، این وسیع‌ترین نیروی انقلابی خلق ویتنام بود ـ وپس ازمدتی تدریس در ایالت فان‌تیت عازم سایگون شد ، پس ازمدتی زندگی دراین‌شهر، هوشی‌مین که‌تمایلش به‌آرمانهای آزادی وحقوق مدنی و دموکراسی وعلوم جدید و تکنولوژی زیاد بود، بعنوان‌کمك‌آشپز دریك‌کشتی فرانسوی رهسپار اروپاشد واز آنجا به آفریقاوآمریکارفت.دراین‌مدت بااشتغال به‌کارهایی‌ازقبیل‌باغبانی،پیشخدمتی،عکاسی وغیره زندگی‌رامیگذراند وبابی‌عدالتی سرمایه‌داری آشنا میگردید. سفرهای‌او به کشورهای مستعمراتی آفریقا ستم سرمایه‌داری را به‌او نشان‌داد ووی رابه این نتیجه رساندکه سرمایه‌داری همه‌جا بیرحم وغیرانسانی است و همه‌جا طبقه کارگر و مردم زحمتکش تحت فشار و استثمار وحشیانه قرار دارندودرهرکجا باشد دوستان خلق‌ها، طبقه‌کارگر وهمه زحمتکشان و دشمنانشان امپریالیستها هستند.

درسال ۱۹۱۸، پس‌از پایان جنگ اول‌جهانی، اوعریضه‌ای شامل ۸ ماده، تحت‌عنوان «حقوق‌ملل» به کنفرانس، که از کشورهای سرمایه‌داری پیروز برای تقسیم بازارهای دنیا دورورسای گردهم آمده‌بودند، ارسال‌داشت‌ودرآن‌خواستار شدکه فرانسه حقوق مردم ویتنام را در آزادی ودموکراسی و مساوات و حق تعیین سرنوشت برسمیت بشناسد. گرچه این‌عریضه‌مانندبمبی افکارعمومی‌فرانسه ودیگر مستعمرات آن‌کشوررالرزاندولی هوشی‌مین- پس‌ازآنکه‌کنفرانس‌عریضهٔ‌او را بی‌جواب‌گذاشت ، این تجربه را بدست آوردکه اظهارات امپریالیستها راجع به آزادی و دمکراسی وحقوق‌بشر تنهاکلمات شیرینی بودندکه برای گول زدن مردم‌تحت ستم‌ازآنها استفاده می‌شد.

پس از انقلاب‌کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه وتشکیل انترناسیونال سوم(۱۹۱۹)هوشی‌مین‌درمناظره‌هائی‌که درون حزب سوسیالیست‌فرانسه‌به‌دفاع از مارکسیسم‌وعلیه رویزیونیسم آغازگشت، باشوروشعف‌شرکت جست. پس‌ازخواندن تزهای‌لنین دربارهٔ مسأله‌ملی‌واستعماری، هوشی‌مین چنان تحت تاثیر قرارگرفت که تنها در اطاقش قدم میزد و با صدای بلند، چنانکه‌گوئی‌توده‌ها رامورد‌خطاب قرار میدهد، میگفت:

«هموطنان‌ستمکش!اینست آنچه ما بدان احتیاج داریم. اینست راه مابه‌رهائی».

سپس در سال ۱۹۲۰، درکنگره حزب‌سوسیالیست‌فرانسه(شهرتور)شرکت جست وبهمراه بهترین مارکسیست‌های فرانسوی، حزب‌کمونیست فرانسه را بنیان‌گذاری کرد.

باین ترتیب هوشی‌مین یکی از نخستین اعضای حزب‌کمونیست فرانسه‌و اولین ویتنامی‌کمونیست نیز بود. این حقیقتی بسیار مهم در زندگی یك‌رزمنده ودرتاریخ انقلاب ویتنام است.

درپرتو قطعنامهٔ‌کمینترن و تزهای لنینی، هوشی‌مین باکمك حزب‌کمونیست فرانسه وهمراه با تعدادی‌ازوطن‌دوستان دیگر مستعمرات فرانسه، «اتحادیه بین مستعمرات» را تشکیل داد وخودبعنوان عضوکمیته مرکزی وعضو دائم‌این‌کمیته انتخاب گردید.اوبانشر‌روزنامه«لوپاریا» وتهیه‌مقالات واعلامیه‌ها (مانند«استعمار فرانسه درمقابل دادگاه») به‌مبارزه‌خود علیه استعمار ادامه میداد.

درسوگ‌مرگ لنین(۱۹۲۴)هوشی‌مین چنین نوشت:

«ما عمیقاً ازفقدان غیرقابل جبران لنین متأسفیم وهمراه با همهٔ مردم دنیا درغم خواهران و برادران خود شریك هستیم . معهذا ما معتقدیم که کمینترن و بخش‌های آن درکشورهای مستعمره‌رهنمودهاوتوصیه‌های رهبرمان‌را دنبال خواهدکرد. لنین‌زمانی‌که زنده بود، پدرما، معلم ما، رفیق ما و راهنمای‌ما بودوحال‌ستارهٔ راهنمائی‌است که‌راه‌انقلاب سوسیالیستی‌رابما نشان میدهد».

او درپرتوتزهای لنینی‌چنین‌اضافه می‌کرد:

«سرنوشت دنیای پرولتری بمقیاس وسیعی به‌مستعمرات،که غذا ونیروی قدرتهای بزرگ‌امپریالیستی را تهیه می‌کنند، وابسته است. اگر ما بخواهیم امپریالیسم را شکست بدهیم، باید از قطع منافع آنان در مستعمرات آغازکنیم.»

پیروزی انقلاب اوت ۱۹۴۵ در ویتنام، این دید انقلابی هوشی‌مین را کاملا به‌اثبات رسانید.

ولی این پیروزی به‌آسانی بدست نیامد هوشی‌مین بادید روشنی‌که از هدفها ونیروهای انقلابی داشت، نشان دادکه دشمن اصلی‌خلق‌ویتنام امپریالیسم وعوامل داخلی آنهایعنی‌فئودالها هستند. او ایمان راسخی به‌سوسیالیسم‌علمی وبه شکست‌ناپذیربودن‌نیروی‌انقلابی‌توده‌های زحمتکش‌داشت. اومی‌گفت:

«قدم به‌قدم در راه مبارزه، با ترکیب‌کردن‌تعلیم‌تئوری‌مارکسیسم‌ـ لنینیسم وفعالیتهای علمی، رفته رفته فهمیدم‌که تنها سوسیالیسم، تنها کمونیسم میتواند مردم ستمدیده وزحمتکش دنیا را ازیوغ‌بندگی‌رها سازد.»

و برای سرنگون‌کردن حکومت استعمارگران ونمایندگان فئودال‌آنها، وی درك‌کرده بودکه تنها وجودیك‌حزب نیرومند مجهز به‌تئوری مارکسیسم ـ لنینیسم میتواند به‌چنین پیروزی‌برسد. این چنین بودکه او درراه تشکیل‌حزب طبقه‌کارگر ویتنام قدم پیش‌گذاشت.

هوشی‌مین درسپتامبر۱۹۲۴،پس‌از مدتی اقامت دراتحادجماهیرشوروی، به کانتون در چین رفت وبه سازماندهی در راه‌ایجاد حزب‌کمونیست مشغول شد. او منتخبی ازجوانان را،که هسته رهبری حزب‌را بوجود آوردند ، بنام «سازمان انقلابی جوانان ویتنام» متشکل‌کرد و «اتحادیه‌مردم‌ستمدیدهٔ‌آسیا»را،که‌دارای بخش ویتنامی نیزبود، پایه‌گذاری‌کرد.

وی با نشرهفته‌نامه‌ای بنام‌تان‌نی‌ان (جوانان)ونوشتن‌کتابی‌بنام«راه‌انقلاب» به‌تربیت تئوریك انقلابیون پرداخت. او داشتن خصائل انقلابی ـمانندکوشائی، قناعت، ازخودگذشتگی، مصمم بودن به تصحیح نقائص خود وپرهیز از لافزنی وخودستائی، انطباق دادن حرف باعمل، راسخ‌بودن دراعتقادات‌انقلابی‌ـ را کافی نمیدانست و انقلابیون را به‌فراگرفتن تئوری‌مارکسیسم‌ـلنینیسم‌ودرك‌راه‌وروش انقلابی تشویق‌می‌کرد. او همواره این جملات لنین‌را یادآوری می‌کرد:

«بدون یك‌تئوری انقلابی‌هرگز یك‌جنبش انقلابی وجود نخواهد داشت... وفقط یك‌حزب‌که‌باتئوری پیشاهنگ‌رهبری می‌شود، می‌تواند نقش خودرا بعنوان مبارز پیشاهنگ ایفا نماید.»

اومیدانست‌که انقلاب امرمشترك توده‌هاست‌ونه‌اقدام‌عده‌ای‌قلیل. انقلابیون باید آگاه باشندکه‌کارگران ودهقانان نیروی اساسی انقلابند. اوهم‌چنین‌تاکید می‌کردکه انقلاب‌ویتنام بخشی‌از انقلاب جهانی است‌که خط مشی کمونیسم بین‌ـ المللی را دنبال‌کرده است.

هوشی‌مین‌افکارانقلابی‌مارکسیستی‌ـ لنینیستی راوسیله هفته‌نامه جوانان و «جاده انقلاب» ترویج می‌کرد. ولی اختلافات‌سه‌سازمان‌کمونیستی ویتنامی‌ـ «حزب‌کمونیست هندوچین»، «حزب کمونیست آنام» و«فدراسیون کمونیست هندوچین» ـ که‌باوجود کارمداوم‌وبسیج توده‌ها، کارتبلیغاتی یکدیگر را بسختی مورد انتقاد قرارمی‌دادند، روزبروز شدیدتر می‌شد. سرانجام هوشی‌مین، بعنوان‌نماینده‌کمینترن، توانست درسوم فوریه ۱۹۳۰ درکولون (نزدیك‌هنك‌ـ کنگ) کنگره وحدت را منعقد سازد. در این‌کنگره، که تحت ریاست‌اوصورت گرفت، سه‌سازمان کمونیستی دریکدیگر ادغام وبه‌سازمان واحدی بنام «حزب کمونیست‌ویتنام» تبدیل‌شدند.طرح‌برنامه واستراتژی واساسنامه حزبی‌که‌بوسیله هوشی‌مین تهیه‌شده بود، درآنجابتصویب رسید.

درپرتو رهنمودهای‌حزب کمونیست ویتنام،که خط‌مشی درستی را انتخاب کرده‌بود،ویتنام‌توانست‌درمقابل‌طوفانهای سختی‌که‌درانتظارش‌بود، همانندصخره‌ای مقاومت‌کند. هوشی‌مین بارها تائیدکرده بود که نخست حزب باید مستحکم‌گردد. چه‌بسیار اعضاء حزب که‌درجنبش‌انقلابی ساخته‌شده‌بودند. ولی‌فرصت‌برای مطالعه منظم‌تئوری‌مارکسیسم‌ـلنینیسم‌وراه وخط مشی‌حزب وسیاستهای آن‌رانداشتند.او از سوئی به‌اعضاء یادآوری‌میکردکه در جنبش‌کارگری فعالیت‌کنند وبه‌عضوگیری بین‌پرولتاریا بپردازند ازسوی دیگر پیشنهاد کردکه کمیته‌مرکزی حزب‌باید کمیته‌های‌مسؤل جهت تبلیغ‌وتعلیم‌اعضای حزب تشکیل دهد ودوره‌های کوتاه‌جهت آموختن برنامه سیاسی واساسنامه‌حزب وتربیت‌کادرها برپاکند.

اوشعارحزب را با خواستهای‌عمدهٔ خلق ویتنام مانند استقلال‌ملی‌وآزادی‌ـ های دموکراتیك و بهتر شدن شرایط زندگی‌وحق شرکت حزب در فعالیتهای قانونی‌ـتلفیق‌کرد. اوتأکید میکردکه، **«برای رسیدن به هدفهای فوق بایدکوشش‌شود تا جبهه دمکراتیك ملی‌وسیعی‌تشکیل‌گردد. این‌جبهه نه تنها باید مردم هندوچین‌را... نه تنها مردم زحمتکش را، بلکه هم‌چنین وابستگان به بورژوازی ملی را نیز دربرداشته باشد».**

درپرتو رهبری صحیح هوشی‌مین وکمیته مرکزی حزب، جنبش مبارزاتی توده‌ها برای‌آزادیهای‌دمکراتیك‌وبهبود شرایط زندگی‌میلیونها مردم را بخود جلب‌کرد ووجدان سیاسی‌آنان رابیدار ساخت.

کمی‌پیش‌ازآغاز جنگ دوم‌جهانی، حزب‌کمونیست ویتنام به‌کار زیرزمینی پرداخته بود. هوشی‌مین‌درسال۱۹۳۹ حمله ژاپن‌را به ویتنام پیش‌بینی‌کرده بود. واین‌حمله در اوت۱۹۴۰صورت گرفت. استعمارگران فرانسه ویتنام را دودستی به ژاپنی‌ها تقدیم‌کردند. کمیته مرکزی حزب درنوامبر ۱۹۴۰ در هفتمین پلنوم خود مشخص کرد که امپریالیستهای فرانسه وفاشیستهای‌ژاپن دودشمن مستقیم ویتنام هستند و وظیفه آمادگی برای قیام مسلحانه برای کسب قدرت را درپیش‌نهاد. هشتمین پلنوم کمیته مرکزی (مه۱۹۴۱) به ریاست هوشی‌مین، به منظور گردآوری بخش‌ـ های مهم ووسیع مردم و برای جلب همه نیروهای انقلابی ، تصمیم به تأسیس «ویت‌نام‌دك‌لپ‌دونگ‌مین»(جامعه‌استقلال ویتنام) یا به اختصار «ویت‌مین» را گرفت. پلنوم‌تصمیم‌گرفت‌که بسیج‌توده‌ها درمبارزه انقلابی‌باید بنام ویت‌مین‌باشد ولی‌خصلت پیشاهنگی‌حزب نه تنها باید نگه داشته شود، بلکه همچنانکه جبهه وسعت مییابد، نقش‌حزب باید مستحکم‌و تقویت شود.

ازسال۱۹۴۱ به بعد، هوشی‌مین دستورالعملهائی‌برای‌تدارك قیام‌مسلحانه وبدست‌گرفتن‌قدرت صادرکرد،که مهم‌ـ ترین‌آنها در اسناد «جنگ چریکی»، «تجربه چریکی چین»، «هنر نظامی سون‌چو » و « چگونه باید کادرهای نظامی را تعلیم داد» متمکس است. اودراوت ۱۹۴۲ برای نخستین‌بار با انتخاب نام هوشی‌مین به چین‌رفت، ولی هنگام عبورازمرز توسط مقامات محلی چیانگ‌کای‌چك دستگیر شد وبرای باردوم بزندان‌افتاد (باراول اززوئن ۱۹۳۱ تا بهار ۱۹۳۳ بزندان انگلیسیها افتاد) هوشی‌مین درشرایط فوق‌العاده بد زندان خیلی رنج‌کشید، ولی هرگزبه اراده آهنین وی خللی وارد نیامد. اودریکی ازاشعار خود در زندان بنام «خاطرات زندان» چنین می‌گوید:

«سرسخت وبردبارهیچگاه‌حتی یك اینچ عقب ننشستم گرچه جسماً در عذابم، روحیه‌ام تزلزل‌ناپذیر است...»

باتشکیل‌کنفرانس‌ملی حزب‌درروز ۱۵ اوت ۱۹۴۵ وتصمیم به برپاکردن یك قیام عمومی، پایه حکومت موقت جمهوری دمکراتیك ویتنام گذاشته شد. وبالاخره‌در ۲ سپتامبر ۱۹۴۵ درمیدان بادین،هوشی‌مین ازطرف دولت بیانیه تاریخی‌استقلال راقرائت‌کرد. این‌بیانیه جوهرکارهای پیشین هوشی‌مین و ورقه زرینی درتاریخ مبارزات‌سرسخت‌ومستمر خلق ویتنام بود.

درروز۲ مارس ۱۹۴۶، درنخستین نشست مجلس ملی، هوشی‌مین بعنوان ریاست جمهوری دمکراتیك ویتنام انتخاب‌گشت. در ۹ نوامبرهمان سال، نخستین اساسنامه جمهوری دمکراتیك ویتنام تصویب شد.

هوشی‌مین روز ۴ سپتامبر ۱۹۴۶ طی قرارداد موقتی،با حکومت فرانسه، فرصت کافی به نیروهای ویتنامی برای تدارك مقاومت خلقی را داد. در ۱۹ دسامبر جنگ سراسری در تمام ویتنام درگرفت. هوشی‌مین طی‌فراخوانی، روز ۲۰ دسامبر ۱۹۴۶، خلق‌ویتنام‌رابرای مقاومت ملی‌علیه استعمارگران‌فرانسوی دعوت‌کرد.

درطول این جنگ عظیم، هوشی‌مین هرلحظه نگران طبقه‌کارگر ویتنام و استحکام وتکامل حزب بود. وی‌ده‌ها نامه به مسئولین حزب نوشت و طی‌کتابی بنام «بگذار ما سبك‌کارمان را بهبود دهیم»، سخن خود راباکادرها و اعضای حزب ادامه داد. وی به کادرها آموخت که‌وطن‌دوستی اصیل‌راباانترناسیونالیسم پرولتری، برای ارتقاءروح‌تکیه برخود وپویائی وابتکار وخلاقیت درهم‌آمیزد.

درراه عملی‌کردن رهنمود لنینی‌ـ که انقلاب ویتنام را جزئی از انقلاب جهانی‌میداند‌ـهوشی‌مین‌دیگر کشورهای جهان‌را درژانویه ۱۹۵۰ برای‌برسمیت شناختن‌جمهوری‌دموکراتیك‌ویتنام‌دعوت کرد. این دعوت وسیله اتحاد جماهیرـ شوروی ودیگر کشورهای سوسیالیستی و دموکراتیك بزودی جامه عمل پوشید.

در دومین‌کنگره حزب (ژانویه ۱۹۵۱) هوشی‌مین خاطرنشان‌ساخت‌که،

«کنگره، کنگره مقاومت است و وظیفه‌اش به‌پیروزی رساندن‌کامل مقاومت وتقویت حزب طبقه‌کارگرویتنام است.»

وی در جمع‌بندی تجربه سیاست «اتحاد ملی وسیع» این شعارمعروف‌خود را مطرح ساخت:

اتحاد، اتحاد، اتحادی وسیع موفقیت، موفقیت، موفقیتی عظیم.

در جنگ میهنی علیه‌استعمارگران فرانسه، که در زمستان ۱۹۵۳ و بهار ۱۹۵۴ به‌شدیدترین حد خودرسیده‌بود، نیروهای ملی ویتنام توانستند همه جا نیروهای فرانسوی را شکست دهند، و بالاخره در پیروزی معروف دین‌بین‌فو (۲۶ نوامبر۱۹۵۴) هوشی‌مین‌اعلام‌کرد که حاضر است با دولت فرانسه توافق سیاسی‌برمبنای‌احترام صمیمانه‌به‌استقلال واقعی ویتنام برقرارکند.

به‌این‌ترتیب، پس‌ازامضای‌موافقت‌ـ نامه ژنو (۲۰ ژوئیه ۱۹۵۴) برای نخستین بار درتاریخ، یك‌کشورکوچك‌و ضعیف‌مستعمره، یك‌قدرت‌استعماری‌بسیار قوی را شکست دادوکمك به‌روندتلاشی سیستم‌استعماری امپریالیسم‌کرد. این از یك سو پیروزی برای خلق ویتنام‌بودو ازسوی دیگرپیروزی برای‌نیروهای‌صلح ودموکراسی وسوسیالیسم درجهان.

از سال ۱۹۵۴ امپریالیستهای جدیدی‌جای‌استعمارگران‌سابق‌راگرفتند. با اجرای سیاستی مداخله‌گرایانه و تجاوزکارانه، امریکائیان خرابکاری‌خود را علیه موافقتنامه ژنو درویتنام جنوبی آغازکردند.

درسال ۱۹۶۰ قیامهای هماهنگ‌در ویتنام جنوبی آغازشدکه منجربه‌تشکیل «جبهه ملی ویتنام جنوبی برای آزادی» درروز ۲۰ دسامبر ۱۹۶۰ گشت.

فراخوان هوشی‌مین درباره تجاوزـ کاران‌آمریکائی‌چنین‌بود:

«ممکن است جنگ پنج، ده بیست سال یا بیشتر بطول انجامد. ممکن‌است هانوی و هایفونگ و بسیاری از شهرها وکارخانه‌ها نابود گردد، ولی خلق ویتنام هیچگاه مقهورنخواهد شد...»

حماسه جنگ‌ویتنام علیه‌امپریالیسم آمریکا بقدری درخشان است که صدها صفحه نیز ازعهده آن برنخواهد آمد. وسرانجام نیزماشین عظیم جنگی‌آمریکا درمقابل اراده خلقی‌کوچك،که به کمك بی‌شائبه مادی و معنوی کشورهای سوسیالیستی‌وقبل‌ازهمه وبیش‌ازهمه‌اتحاد شوروی تکیه داشت، بزانودرآمد ودر اول‌نوامبر۱۹۶۸ دولت آمریکا، مجبور به پایان دادن بدون قید و شرط به بمباران وگلوله‌باران تمام‌خاك جمهوری دموکراتیك ویتنام شمالی ومذاکره با نمایندگان جمهوری دمکراتیك ویتنام شمالی‌وجبهه ملی ویتنام جنوبی برای آزادی درکنفرانس‌چهارجانبه پاریس گشت.

ولی‌امپریالیسم آمریکا جنگ را با شدت بیشتری در جنوب ادامه داد. در بحبوبه جنگ خبر هولناکی بگوش جهانیان رسید. ساعت ۹و۴۷دقیقه صبح روز۳سپتامبر ۱۹۶۹، هوشی‌مین درسن ۷۹سالگی‌درگذشت

بیش‌از۲۲۰۰۰ پیام ونامه تسلیت از۱۲۱کشورجهان وشخصیت‌های مهم به ویتنام ارسال‌شد. کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام درطی فراخوانی چنین گفت:

«رفیق هوشی‌مین یك میهن‌ـ دوست بزرگ، یك شاگرد وفادار کارل‌مارکس و ولادیمیرایلیچ لنین، روحیهٔ مبارزهٔ آشتی‌ناپذیر را علیه امپریالیسم بالا نگه داشت و همهٔ زندگی‌خود را وقف آزادی طبقه کارگر، ملت و بشریت، استقلال و

بقیه درصفحه ۷

www.iran-archive.com

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

اخراج کارگران تاکی ادامه خواهد داشت؟

پس‌از اوج‌گیری جنبش انقلابی خلق ایران، پایه‌های غارت‌بیدادگران‌و دلالان نوکرصفت امپریالیسم سست شد. آن‌هاکه ادامه بهره‌کشی بی‌حد وحصررا غیرممکن می‌دیدند، جزدوپای فرار وکولباری از اموال به‌یغمارفته، برهمه‌چیز چشم بستند! وآنهاکه ماندند، به‌خرابکاری خود ادامه دادند، تامگروضع‌دگرگون شود ودربرپاشنه‌گذشته بچرخد.

بهرحال، انقلاب بافداکاری بیدریغ همه‌خلق وبویژه طبقه‌کارگر به‌پیروزی رسید. این انقلاب می‌بایست ضوابط طاغوتی گذشته را در زمینه‌های گوناگون زندگی اجتماعی‌ما ملغی‌کند وراه را برای تدوین قوانین وموازین‌خلقی‌وپیشرو هموار سازد.

ازپیروزی انقلاب بیش‌ازیکسال‌می‌گذرد وبسیاری‌ازقوانین گذشته،ازجمله قانون‌کار طاغوتی، باموادضدکارگری آن، همچنان بقوت خود باقی است. برابر این قانون، وبویژه بااستناد به‌ماده ۳۳ آن، کارفرمایان بافراغ‌بال حقوق‌کارگران را پایمال می‌کنند، آنها را اخراج می‌کنند،ضوابط طبیعی‌کاررانادیده‌میگیرند، امررفاه وتأمین‌کارگران را زاید می‌شمارند ودریک‌کلام،ازمجموعه‌شرایط‌موجود بسود خویش وبه‌زیان‌کارگران استفاده می‌کنند. برای رهایی ازاین‌وضع‌تأسف‌بار تدوین قانون‌کار بسود زحمتکشان وبانظرمستقیم نمایندگان خودکارگران‌ازیک‌سو وتشکل‌کارگران درانجمن‌های صنفی خود (سندیکاها) ازسوی دیگر از هرجهت تعیین‌کننده است!

برای پی‌بردن به‌وضع موجود درکارگاه‌ها ونهادهایی‌که‌کارگران‌را به‌حال خود رهاکرده‌اند، ازذکرچندمثال ناگزیریم:

اخراج کارگران قسمت رنگرزی اداره امور تعاون و روستاها درشیراز

سه‌تن‌ازکارگران‌قسمت‌رنگرزی‌اداره‌اموروستایی‌شهرشیرازبیش از ۶ ماه است‌که ازکاراخراج شده‌اند. رئیس این اداره علت اخراج رافقدان بودجه و نبودن‌کارذکرکرده است.

این‌کارگران متاهلند ودرزمان اشتغال روزمزد بوده‌اند. هیچکدام بیمه نبوده‌اند ودرمدت اشتغال نیزمزایایی به‌آنها تعلق نگرفته است. یکی‌ازآنان ۳ سال سابقه‌کاردارد وحقوق روزانه او ۴۰ تومان ودیگری ۶ سال سابقه‌کار دارد و حقوق روزانه او ۵۰ تومان است. این‌سه‌نفربه تمام مراجع قانونی نظیراداره‌کار واستانداری مراجعه‌کرده‌اند، وتاکنون هیچ نتیجه‌ای نگرفته‌اند.

کارگران می‌گویند:

«ما درمحل‌کارحاضرهستیم‌واسم ماهم درلیست حقوق، که‌ازتهران ارسال می‌شود، وجود دارد، ولی نمی‌دانیم چرا از پرداخت حقوق به ما خودداری می‌کنند؟.»

مسائل کارگری

تعطیل شرکت بلی ـ تسا و بیکاری کارگران

شرکت ساختمانی بلی ـ تسا در شیراز با فرار پیمانکار فرانسوی در جریان انقلاب تعطیل‌شد. این شرکت‌در حدود ۲۰۰۰ کارگر وبنداشت، که‌غالباً بیمه‌بودند. بعد از پیروزی انقلاب، این شرکت باتمام‌کارگران تصفیه حساب‌کرد و این ۲۰۰۰ نفر به خیل بیکاران پیوستند.

۲۰ نفر از بناهای بیکار شده این شرکت، برای یافتن‌کار به‌اداره‌کاراستان واستانداری‌فارس مراجعه‌کرده‌اند، ولی باوجود این ، بیش از یکسال است که بلاتکلیفند.

اخراج کارگران ساختمانی اداره‌مسکن و شهرسازی شیراز

دربهمن‌ماه سال۵۸ اداره‌مسکن وشهرسازی شیراز، ۱۰ نفر ازکارگران‌ساختمانی این‌اداره را اخراج‌کرد.ولی این عده موفق‌شدندباشکایت ومراجعه به‌مقامات‌مسؤل دوباره‌سرکارخودحاضر شوند. حقوق‌کارگران این اداره همان‌حقوق پایه‌ای وزارت‌کار است، و کارگران همگی بیمه‌اند. اداره مسکن وشهرسازی حقوق های عقب افتاده کارگران راپرداخته است.

قبل‌از نوروز۱۳۵۹، رئیس اداره ۲۸ نفر از این کارگران‌رااخراج‌کرد.اکثراین‌کارگران ۴تا۸سال سابقه‌کار دارند وفقط‌دوتن ازآنها ۲ سال‌سابقه‌کاردارند. کارگران بعد از اخراج به، مراجع قانونی نظیراستانداری واداره‌کارشکایت کرده‌اندوحتی به‌تهران‌نیزتلگراف‌فرستاده‌اند، که هنوزجواب‌آن‌نیامده‌است.اکثراین‌کارگران ۷تا ۹سرعائله‌راخرج می‌دهند وشدیداً نگران‌وضع خود هستند.

زیمبابوه چگونه به آزادی دست یافت؟

درقاره رنج‌کشیده‌افریقا، سرزمین‌دیگری رسما به جرگه‌کشورهای آزاد جهان پیوست. خلق زیمبابوه، از ورای نسل ها اسارت، با اهدای ۳۰۰ هزار شهید ، سند استقلال خود را از چنگ امپریالیسم انگلیس و ایادی نژادپرست آن بدرآورد وپیکارمسلحانه وآزادیبخش خودرا پس‌از هفت سال رنج وتلاش وتلفات سنگین، به‌پیروزی پیوند زد .

زیمبابوه یکی ازآخرین دژهای استعمارکهن و نژاد پرستی درقاره سیاه بود وفرو ریختن ناگزیر آن یکبار دیگر، با صراحتی بیشتر از پیش، عصربیداری عصیان‌آمیز مستضعفان جهان را تاکیدکرد .

اگر درنظرآوریم‌که در شرایط انحطاط سریع‌آئین استثمار واستعمار، آپارتاید ونژادپرستی ازمظاهرنظام‌گندیده امپریالیستی واز پایگاههای‌آنست، استقلال سیاسی زیمبابوه،این تیول امپریالیستهای‌انگلیس واین حلقه زنجیر جهانی‌امپریالیستی، ضربه‌تازه‌ای‌برستون‌فقرات نظم طاغوتی وهمه طاغوت های معاصراست.

اما استقلال سیاسی زیمبابوه، هنوزبمعنی استقلال واقعی وکامل‌این‌سرزمین دلاور ومحنت کشیده نیست . خلق زیمبابوه مرحله‌ای دشوار ازنبردآزادیبخش خود را بپایان رسانده و مرحله‌ای دشوارتر را در مسیری بغرنج‌آغاز کرده است .

برای‌اینکه‌بمسایل ودشواریهای‌راه‌تازه‌ای که خلق پیروزمند زیمبابوه درآن قدم‌گذاشته، پی‌ببریم، کافی‌است توجه داشته‌باشیم‌که اقتصاداز هم پاشیده زیمبابوه‌هم‌اینک سنگینی باربیشتراز یک‌میلیون بیکار راپرشانه‌های نزارخودتحمل میکند وهرسال۵۰ هزارنفر برشماراین‌بیکاران افزوده میشود. چهل وپنج درصد بهترین‌زمین‌های مزروعی زیمبابوه دردست ۲۲۰ هزارسفید پوست‌غاصب‌این کشوراست،درحالیکه۶/۵میلیون سیاهپوست سهمی بیشتراز این‌زمینهای‌میهن خودندارند،بااین‌تفاوت‌که،اراضی‌متعلق‌بسیاه‌ها اغلب نامرغوبترین وپرت‌افتاده ترین‌اراضی است، که بخشی ازآن بایروبسیاری ازنواحی آن‌فاقد راههای ارتباطی ودورازبازاروبحروم ازعرضه خدمات لازم است.

معادن سرشارطلا، مس، کرومیت ونیکل و دیگرثروتهای زیرزمینی، بخش‌بزرگی‌ازنیروی کارشهروندان زیمبابوه رابخود جذب‌کرده‌است. اما دستمزد کارگران سیاهپوست این معادن در حدود ۷ درصدکارگران سفیدپوست است. به‌این ترتیب، اکثریت عظیم صاحبان واقعی سرزمین پرنعمت‌زیمبابوه، بروی دریایی ازثروت‌ونعمت، بافقرسیاه‌ومحرومیت جانگزایی‌زندگی‌میکنند، آنگونه‌که، بموجب‌گزارش صلیب سرخ جهانی، بیش‌از ۲۰ درصد ازجمعیت‌کشور درگرسنگی مزمن‌بسرمیبرند. این واقعیت‌تلخ‌ورسواکننده، نشان‌دهنده کنه ماهیت و سرشت نظام منحطی است‌که پایه‌های آن‌درطی تاریخی خون‌آلود و مملوازچپاول، برخون ومرگ وتباهی‌میلیون‌ها انسان‌گذاشته‌شده وریاکارانه سنگ‌حقوق بشر و مدنیت رابه‌سینه میزند، نظام‌منحطی که‌اختاپوس جهان ما ومکنده خون میلیاردها زحمتکش و تولیدکننده وپابرهنه مستضعف است.

رژیم‌جدیدزیمبابوه، که برای‌مرحم‌گذاشتن برزخمهای عمیق این میهن آفریقایی، شیوه همکاری ومسالمت با اقلیت سفیدپوست ساکن این‌کشور، یعنی مسببان اصلی محنت‌وشوربختی مردم زیمبابوه و دژخیمان دیروز او را درپیش گرفته، هنوزتا استواری پایه‌های حاکمیت‌خود و ریشه‌دواندن در میهنی غرقه در بیسوادی و گرسنگی وخرافات وبردگی، به مماشات با اربابان دیروزنیازمند است وازهمین روست‌که میراث شوم‌گذشته، باهمه سنگینی پرمخافتش برشانه‌های حاکمان پیروزمند جدید سنگینی میکند ودگرگون‌سازی جامعه بادشواریهای مضاعف روبروست.

سفیدپوستان‌برشالوده قراردادی‌که‌رهبران مبارزان سیاهپوست در مذاکرات آشتی‌جویانه لندن پذیرفته‌اند، بیست‌درصدکرسی‌های‌پارلمان وبسیاری ازمواضع اقتصادی‌کشوررا بصورت‌یک ارثیه خدشه‌ناپذیر بخود اختصاص داده‌اند و عمده‌ترین پست‌ها ومسئولیتهای نظامی راهنوز در چنگ دارند. آنها متخصصان وکارشناسان و تکنوکرات‌های تقریباً منحصر بفردکشورند. مدیریت‌صنعتی ومهارت‌های کشاورزی، بهداشتی، پزشکی وفرهنگی، درحیطه انحصاری آنهاست. سرچشمه واقعی نیروی آنهاهم همین‌جاست.

استقلال‌سیاسی‌برای‌خلق‌پیکارجوی‌زیمبابوه تنهاطی‌کردن‌یک‌خوان، ازهفت‌خوان پرمخاطره آزادی وبهروزی است. مبارزه جانانه، مبارزه حساس‌مرگ وزندگی، هنوز درپیش است. خلق زیمبابوه، که شهامت واستعداد وبلوغ‌خود را در طی‌بیش ازقرنی مقاومت دراسارت وهفت‌سال نبرد مسلحانه وخونین‌استقلال به بارزترین‌وجه نشان داده‌است، درمقابله بااین‌کوه مشکلات، قادر به ادامه اعجازی است‌که درفطرت نبوغ‌آمیزهمه ملتها وبویژه ملل سخت‌کوشی که در شور وسودای‌آزادی، مشقت ومرگ را آسان میگیرند، نهفته‌است.

● ● ●

زیمبابوه ، یا آنطور که سفیدپوستان اشغالگراروپائی‌می‌نامیدندش، «رودزیا»، در دو دهه آخرقرن۱۹ به زیرسلطه غرب رفت.سیسیل رودز ـ که نام رودزیارا ازاوگرفتند ـ باتصاحب امتیاز بسیاری از کمپانیهای منطقه ، مواضع اقتصادی و آنگاه قدرت سیاسی‌کشور را قبضه کرد و با خشن‌ترین شیوه‌ها به سرکوب هر حرکت مستقل و هر خواست ملی و بحق پرداخت .

به سال۱۹۲۳،رودزیا طی‌رفراندومی‌منضم شدن به جمهوری‌آفریقای جنوبی را ردکرد و بظاهر طی این رفراندوم ـ در قلمرو سیادت امپراتوری استعماری انگلیس ـ به‌خودمختاری رسید. اما این خودمختاری سرپوشی برغارت ثروت‌های این سرزمین توسط استعمارگران انگلیسی‌وایادی و همپالکی‌های آنها بود.

با اوج تدریجی‌مبارزات‌آزادیخواهانه،در سال۱۹۵۷ کنگره ملی آفریقایی، بسرهبری **جوشوانکومو**، بصورت بستر خروشان جنبش ناسیونالیستی‌میهن اشغال‌شده سیاهان درآمد. و چون‌کاراین‌جنبش بالاگرفت، ادامه فعالیت آن ازطرف استعمارگران ممنوع اعلام شد. با این ممنوعیت، شکل، مبارزه مردمی‌که در تکاپوی رهائی‌ازچنگال‌آزمند وخونین استعمارگران بودند، عوض‌شد. نخست درسال ۱۹۶۱ اتحادیه خلق‌آفریقائی‌زیمبابوه‌ـ و آنگاه درسال ۱۹۶۳، باشکافی درجنبش‌ناسیونالیستی مردم رودزیا، اتحادیه ملی آفریقایی زیمبابوه‌ـ بوجودآمد ورهبران ملی‌گرای‌کنونی‌زیمبابوه، یعنی **تکومو** و **موگابه** دررأس این دوجنبش قرارگرفتند.

زیمبابوه بسال ۱۹۶۵ ، بر اثر توطئه انگلیس و اقلیت سفید پوست ساکن این سرزمین ، با عملی شبه کودتائی، برای‌خود اعلام استقلال‌کرد. واین خیمه‌شب‌بازی وسالوس سیاسی به‌هنگامی به‌اجراگذاشته شدکه مستعمرات انگلیس درآفریقا یکی‌پس‌از دیگری مستقل شده بودند وزیرفشارافکارعمومی جهان، نوبت به‌رودزیا رسیده بود.

بقیه درصفحه ۶

اخبارکارگری

کارگران شرکت‌های پیمانکاری تخلیه وبارگیری بندر خرمشهر را زیرپوشش‌دولت‌قراردهید!

پس ازانقلاب پیروزمند مردم ایران، بنابدرخواست کارگران زحمتکش، ونیز شورای کارگران سازمان بنادر وکشتیرانی بندر خرمشهر، از شرکت‌های پیمانکاری تخلیه و بارگیری‌خلع‌ید بعمل آمد. (ازجمله این شرکت‌ها، شرکت «ایران ترمینال» و «فیصلی» که با سرمایه‌های خارجی پیوند خورده بودند و صاحبان آنها اکنون فراری‌اند، را می‌توان نام‌برد.)

اکنون امور تخلیه وبارگیری راساً توسط سازمان بنادر و کشتیرانی بندر خرمشهر انجام میشود.

چندماه پیش، باتصویب شورای انقلاب، ازطرف سازمان بنادر وکشتیرانی برای شرکت‌های خلع‌ید شده «ایران ترمینال» و «فیصلی»، مدیران دولتی تعیین شدند. اخیرا از طرف دولت (سازمان بنادر وکشتیرانی ووزارت راه وترابری) مدیران قبلی، که ازجوانان فعال سازمان بنادر وکشتیرانی بودند، مجدداً برکنار شدند، وچندنفر ازکارمندان بازنشسته راه‌آهن دولتی ایران و وزارت کشاورزی و... به مدیریت شرکتهای مذکورانتخاب شدند.

با این‌وجود، کارگران زحمتکش که سالهاست بوسیله بخش خصوصی به شدیدترین وجهی استثمار شده‌اند، خواستار آنند که به استخدام سازمان بنادر و کشتیرانی درآیند و مانند سایر کارگران سازمان‌از مزایای دولتی بهره‌مند شوند. کارگران بدرستی می‌گویند: در حال‌حاضر که ما برای‌دولت کار می‌کنیم، از شر بخش خصوصی آسوده شده‌ایم، در مقابل کار برای دولت از دولت حقوق می‌گیریم، پس چرا بنام شرکت «ایران ترمینال» و «فیصلی» کار کنیم و به استخدام دولت درنیائیم؟

ضمنا کارگران دراین مدت باهوشیاری کامل، بعنوان مدافع اصلی انقلاب خواستهای خودرا مطرح کرده‌اند وتوطئه‌های عوامل‌ضدانقلاب وبعضی‌گروهکها ی‌چپ‌نمااز‌جمله «حزب کارگران سوسیالیست» را، که خواسته‌اند ازوجود آنها سوء استفاده کنند وآنهارا به اعتصاب وتحصن وادارند، نقش برآب ساخته‌اند. دراین‌مورد نقش هوشیارانه سپاه پاسداران خرمشهر درخنثی‌کردن عملیات چپ‌نماها قابل ذکر است.

کارگران که درشرایط طاقت‌فرسای خوزستان، عرق‌ریزان وبدون ماوا ومسکن زندگی می‌کنند وازهیچگونه وسایل وامکانات رفاهی برخوردار نیستند، ازدولت انقلاب انتظار دارند که به تقاضای قانونی آنها درمورد استخدام دولتی رسیدگی کند .

چراحق کارگران بازنشسته راضایع میکنند

کارگران کارخانه‌گلیسیرین (وابسته به اتکا) درواحدهای مسکونی اتکا منزل‌دارند. اخیراً طی‌بخشنامه‌ای ازجانب وزارت دفاع ملی، به‌ساکنان غیرشاغل واحدهای مسکونی ۶ماه مهلت داده شده‌است، تااین واحدها راتخلیه‌کنند. این‌مسئله‌باعث نگرانی کارگران شده است. کارگران‌شاغل‌هم نگران آینده خودشده‌اند، چون باین ترتیب آن‌ها هم هنگام بازنشستگی، مجبوربه تخلیه محل‌سکونت خود خواهندشد.

کارگران می‌گویند: «درهمه جای‌دنیا افراد بازنشسته همواره مورد احترام مردم هستند واز مزایای ویژه‌ای برخوردارند. با توجه باین‌اصل، ازمقامات‌مسئول تقاضامیکنیم که درلغواین‌بخشنامه اقدام‌کنند.»

کارگاه‌های کوچک: قانونی درکار نیست!

کارگاه «داروئی‌پوستین‌چی» در بلوار نادری شهرستان‌مشهد، از یکسال‌ونیم پیش شروع بکار کرده است.

کارگران این کارگاه حدود بیست‌نفرند. بیشترکارگران،زنان یادختران‌کم‌سن وسال هستند.

دراین محل‌آبغوره، سرکه، الکل، گلاب، جوش‌شیرین، ذغال جکسون و... بسته‌بندی میشود .

ساعت‌کارحدود ۶/۵صبح تا ۵/۵ بعدازظهر، ومزدبااحتساب کارانجام‌شده (کارمزدی)پرداخت میشود. سطح دستمزدهافوق‌العاده پایین‌است. برای نمونه،پرکردن یک کارتن محتوی بطری الکل، شامل پرکردن شیشه‌ها ازالکل، اتیکت زدن وکارتن‌گرفتن، فقط ۱۲ریال مزددارد وحداکثرتعداد کارتن‌های بسته‌بندی شده ظرف یک‌روز ۴۰ عدد است. بیشترین دستمزد روزانه، از این قرار، حدود ۵۰تومان است و البته در برابر بیش‌ازده‌ساعت‌کار!

بااینکه این‌کارگاه بیش‌ازده کارگرداره، وشامل قانون‌کار می‌شوه، معهذا نه‌حداقل‌دستمزدی درکاراست، نه‌بیمه‌ای، نه‌حق‌مسکن وازاین مهمتر شایداصلا اداره‌کار ازوجود چنین محلی بی‌خبرباشد دریک‌کلام نبودن هرگونه تشکل صنفی، ازقبیل شورا وسندیکا، در کارگاه وبحران بیکاری موجود، تداوم این شیوه کارمزدی‌راتضمین کرده‌است. نمونه‌چنین کارگاههایی درسراسرکشور بی‌شمار است.

در شرایط فعلی و پیش از تدوین قانونی‌کار، کارگران چنین کارگاههایی انتظاردارند که‌هیأتی ازسوی وزارت‌کار مأمور بررسی وضع آنها شود، وبراجرای‌قانون کارکنونی نظارت داشته باشد. چنین اقدامی انگیزه مضاعفی‌به کارگران خواهد داد، تاباد‌لگرمی وپشتکار بیشتر، بسهم خویش، عوارض ناشی ازمحاصره‌اقتصادی امپریالیسم را خنثی‌کنند.

یکشنبه‌ها: نامه«مردم» بزبان کردی

هموطنان‌کرد مقیم تهران میتوانند نامه«مردم» بزبان کردی‌را، که روزهای یکشنبه منتشرمیشود، ازکیوسکهای‌مختلف تهران دریافت‌دارند.

دنیا را میتوان ازتمام کیوسکهای فروش‌نشریات خرید

نام نویسی در حزب تودهٔ ایران

کارگران وزحمتکشان هوادار حزب تودهٔ ایران که مایلند درحزب ثبت‌نام‌کنند، وهمچنین‌اعضای قدیمی‌حزب توده‌ایران که درگذشته‌بدلائل گوناگون ارتباطشان با حزب قطع شده، می‌توانند علاوه بر ایام هفته ، روزهای جمعه ازساعت ۹تا۱۱صبح و از ۲تا۵ بعدازظهر به‌دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، واقع در خیابان ۱۶ آذر،ضلع‌غربی‌دانشگاه‌تهران، مراجعه‌کنند. در شهرستانها نیز دفاتر حزب‌تودهٔ ایران برای نام نویسی آماده است.

متقاضیان هنگام ثبت‌نام حتماً شناسنامهٔ خود را همراه داشته باشند.

تأمین کاربرای کارگران بیکار، یکی ازنخستین وظایف دولت انقلاب است

کوه‌خواجه

کذری به روستا

میعادگاه هزاران دامدار مهاجر سیستان

کلبه‌های حصیری یا خانه‌های روستائی دامداران ـ کوه‌خواجه ـ زابل

این روزها در اطراف کوه‌خواجه، با آن بناهای باستانی‌اش، روستائیان سیلزده مشغول برپا کردن خیمه‌های خود جهت شروع یك زندگی جدید در این محل شاید برای چند ماه هستند. روستائیان دامداری که کوچ کردن و مهاجرتشان به این نقطه تنها خط نجات زندگی خود و گاوهایشان است و از یکطرف نبودن علوفه جهت دامها و از طرف دیگر محاصره روستاها توسط آب، آنها را به این کوچ اجباری وامیدارد. نامهٔ «مردم» قبلاً گزارشی در اینباره چاپ کرده است.

کوه خواجه از نقاط مهم تاریخی سیستان است و آثار تاریخی این کوه را مردم به‌دوران اشکانیان مربوط میدانند. خرابه‌های آتشکده و تخت رستم، که نقش نشسته رستم را با یك گرز و سر نشان میدهد، هنوز وجود دارد.

تاریخ را فعلا رها میکنیم و بسراغ دامداران مهاجر، که همچنان در طول جاده بطرف کوه پیش می‌آیند، میرویم، تا خود از مشکلاتشان برایمان بگویند. با یکی از آنها بنام رزاق انجام به گفتگو می‌نشینیم. ۲۶ ساله است با ٤ سر عائله. شغل اصلی او دامداری است و اهل روستای هامونك (دومکه حیدری). رویهم ۸ گاو و گوساله دارد. چنین می‌گوید:

«امسال در کنار دامداری مقداری هم گندم کاشته بودم، ولی آب روستای ما را درمحاصره خود گرفت و همه‌چیز را از بین برد و مجبور به کوچ شدیم. بعد از طی حدود ۱۰ فرسخ راه به اینجا رسیده‌ایم. تصمیم دارم نقطه‌ای پیدا کنم و بهمراه‌دیگر روستائیان، که به اینجارسیده‌اند، کلبه‌های حصیری خود را بر پا کنیم. روستای ما حدود ۱۳۰ خانوار جمعیت دارد و تا حالا ٤۰ خانوارشان کوچ کرده‌اند.»

وقتیکه از او سئوال کردیم: آیا از طرف سازمانهای مسئول به شما کمکی شده است، با یاس سر تکان میدهد و میگوید:

«هیچ! مگراینکه از غیب‌فرجی برسد.»

چند صد متر پائینتر، عده‌ای از روستائیان تازه‌وارد، در کنار دریاچه نشسته‌اند و خستگی راه از تن بدر میکنند. گاوهایشان هم در نیزارهای دریاچه به چرا مشغولند. به سراغ آنها میرویم. همه باهم شروع به‌صحبت میکنند. هرکس مشکل‌خودرا بیان میکند. یکی از آنها که از همه مسنتر بنظر میرسد و در چهره‌اش هنوز آثار خستگی ناشی از این راه دراز بچشم میخورد، میگوید:

«اسم من ابراهیم اکبری‌است و ۵۰ سال دارم. تعداد اعضاء خانواده‌ام ۹ نفر است. شغلم‌دامداری است و رویهم ۱۳ گاو و گوساله دارم. اهل روستای‌دردل هستم. ما مقداری از وسایلمان را بعلت واژگون شدن توتن ازدست داده‌ایم... من از دولت گله‌دارم. با اینکه تقریبا همه سازمانهای محلی از وضع ما با خبر بودند، برای ما کاری انجام ندادند. تنها یك دفعه، آنهم به هر نفر، ۵ کیلو جوداده‌اند. به‌فرمانداری شکایت کردیم، ما را به شیر و خورشید فرستادند. به‌شیروخورشیددرفتیم، برایمان‌کاری انجام ندادندوتنها وعده و وعید میدهند. مگر مستضعف‌ترازماهم وجود دارد و مگرنه اینکه به خاطرمستضعفین بوده که انقلاب شده‌است! پس‌چرا فکراساسی نمیکنند؟».

درطول‌این مسیر، باهرکدام از این سیلزدگان که صحبت میکنی، حرفهای زیادی برای گفتن دارد. براستی حتی‌اگر یکقدم در راه‌حل مشکلات این روستائیان برداشته شود، آیا بازهم ضدانقلاب، که هدفش ناراضی‌تراشی وبدبین کردن این توده‌ای محروم روستائی نسبت به انقلاب است. میتواند به‌هدفش برسد؟ خیرا زمانیکه روستائی محروم احساس کندکه نهادهای انقلابی وارگانهای مسئول‌درفکر برطرف کردن مشکلات‌ورسیدگی به‌خواستهای برحق او هستند، هرگز به دام ضدانقلاب نخواهد افتاد و خود به‌عاملی فعال برای سرکوب‌وریشه کن کردن‌ضدانقلاب بدل‌میشود.

وضع این‌روستائیان دامدار میتواند هشداری‌جدی‌به‌مسئولین امرباشد، که‌هرچه‌سریعتر باتوجه‌به رهنمودهاوفرامین امام‌خمینی، درجهت‌حل‌اساسی‌وبنیادی‌مشکلات مربوط به‌این‌روستائیان‌زحمتکش اقدام‌کنند.

مسائل دهقانی

مقامات دولتی و مسئولان نهادهای انقلابی میگویند:

دادسرای انقلاب اسلامی دامغان:

دادسرای انقلاب اسلامی شهرستان دامغان دراطلاعیه‌ای‌که انتشارداد، به کلیه مالکین و فئودالهای منطقه هشدار داد، تا دست ازتوطئه‌چینی‌وشایعه‌پراکنی بردارند.

متن‌اطلاعیه چنین‌است:

اخیراً دررابطه با لایحه قانونی‌مصوبه شورای انقلاب در مورد تقسیم اراضی، خوانین و فئودال‌های منطقه به دست و پا افتاده ودرشهرورستاهای‌دامغان به توطئه‌چینی وشایعه‌پراکنی مشغول‌هستند. بهمین‌جهت باین افراد اخطار می‌شود که اگر کوچکترین‌موردی ازتوطئه یا تحریك یا شایعه‌پراکنی ازطرف این دادسرا کشف شود، عاملین شدیداً مجازات خواهند شد.

ضمناً مالکینی که روز دوم اردیبهشت ماه در دادسرا علیه دادسرای‌انقلاب توطئه‌کرده‌وحتی تهدید نموده‌اند، اگر دست از تحریکات خود در بیرون از شهر برندارند، ازطرف این دادسرا بدون‌هیچگونه اغماض‌تحت‌پیگرد قرارخواهندگرفت.

همچنین به نامبردگان فوق اخطارمیشودکه اگرحتی‌یك‌وجب زمین به‌کسی فروخته‌اند، معامله را باطل ووجه را مسترد دارند، درغیراین صورت ازطرف این دادسرا مستقیماً اقدام خواهد شد.

فرماندار مهاباد:

فرماندار مهاباد گفت، مهاباد درمحاصره اقتصادی قرار دارد. هرچه ما به مقامات‌مرکزی متوسل‌شدیم، متأسفانه نتیجه‌ای نگرفتیم. ازنظرسوخت گازوئیل برای وسایل کشاورزی درمضیقه هستیم واگر دراینمورد فکری نشود، کشاورزی منطقه نابود خواهد شد.

وی همچنین گفت، تاکنون حدود ۲۰هزارنفر از آوارگان سقز به بوکان ومهاباد آمده‌اندو به غیرازکمك‌های‌جمعیت‌شیروخورشید سرخ ارومیه، تاکنون هیچ‌کمکی به‌آوارگان نشده‌است واین‌عده و ساکنان شهر از نظر موادغذائی‌ودارویی‌درمضیقه‌شدید قرار دارند.

سپاه پاسداران مشهد:

سپاه پاسداران خراسان اعلامیه‌ای بشرح ذیل‌منتشر کرد:

با درود به شهدای‌ایثارگر انقلاب اسلامی به اطلاع مردم مسلمان و مبارز خراسان میرساند:

روزسه‌شنبه ۵۹/۱/۲۶ پس از ابلاغ حکم دادستان انقلاب خراسان مبنی بر تعقیب تعدادی فئودال، که زمین‌های کاشته شده مربوط به اهالی‌رادکان‌رازیر و رونموده ومحصول مردم راازبین برده‌اند، چند نفر از برادران روابط عمومی و تحقیقات سپاه پاسداران همراه با چندتن از برادران جهادسازندگی وجوانمردان ژاندارمری‌جهت‌چگونگی وبررسی‌اوضاع‌به روستای‌نامبرده اعزام شدند.

پس ازرسیدن به منطقه، دو تن‌ازفئودال‌ها‌به‌نامهای‌کوهستانی ورستگار، همراه با جمعی از وابستگان مزدورشان‌به برادران ما حمله‌ورشدند.

برادران‌که بمنظورتحقیقات به محل‌اعزام شده و مهمات کافی دراختیارنداشتند وازطرف دیگر برای رعایت جان مردم از شدت عمل‌متقابل خودداری‌میکنند.

اما ائمه فساد حمله خود را تشدید میکنند و حتی یکی از برادران را خلع‌سلاح و چندنفر راگروگان‌می‌گیرند. پس‌ازوصول این‌خبر به مرکزسپاه، نیروهای کمکی عازم منطقه می‌شوند و با کمك پاسگاه ژاندارمری موفق به آزادکردن گروگان‌ها شده و دونفرازصحنه‌گردانان اصلی‌راکه سالها برگرده مردم محروم‌منطقه سواربودند و ازشیره‌جان آنها تغذیه می‌شدند، بازداشت و جهت تحویل‌به دادستانی به مرکز سپاه منتقل‌مینمایند

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی‌خراسان با درك مرحله کنونی‌انقلاب به همه توطئه‌گران بخصوص‌این فئودال‌های جنایتکار هشدار میدهد، دست ازجنایت، تجاوزبه حق‌مردم محروم وایجاد بلوا وناامنی بردارند، که درغیر این‌صورت باعمل‌قاطع پاسداران روبروخواهند شد.

چشم امید به جهاد سازندگی دارند

روستائیان خرزان، ازتوابع قزوین، درزمان‌های دور، از یاران صدیق میرزاکوچك‌خان جنگلی و در راه انقلاب مشروطیت نیز سهم‌بسزائی را دارا بوده‌اند. حتی چندنفر ازآنان دراین راه جان باخته‌اند. روی این اصل درزمان طاغوت‌کلیه ساکنین این روستا مورد بی‌مهری و بی‌توجهی مسئولین امر قرارگرفته بودند. بهمین‌جهت گروه کثیری از اهالی بومی راهی شهرها شدند وامروز جمعیت آنها بالغ‌بردویست‌نفر است.

این‌ده فاقد جاده اساسی ولوله‌کشی، آب‌آشامیدنی، حمام بهداشتی وغیره است. روستائیان برای بیان نیازهای مبرم خود به‌بهداری وبهزیستی و جهادسازندگی قزوین مراجعه‌کرده وباتشریح مسائل خود، ازمسئولین خواستار اقدامات فوری‌واساسی شده‌اند. مسئولین جهادسازندگی به روستا آمده‌اند وباطرح‌نقشه درباره لوله‌کشی‌آب‌آشامیدنی وایجاد حمام بهداشتی قول قطعی ومساعدی به‌اهالی‌خرزان داده‌اند. لیکن روستائیان تااین تاریخ چشم‌براه هستند، تا اقدامی دراین‌زمینه صورت‌گیرد.

این روستائیان از مسئولین جهادسازندگی تقاضای رسیدگی دارند وخواهان اقداماتی هستندکه لااقل تغییری مثبت وعملی درزندگی دشوار آنان ایجادگردد.

فرمان امام برای بخشودن برق مصرفی خانوارهای کم‌درآمد را اجرا کنید

امام‌خمینی، رهبر انقلاب، طی فرمانی‌بهای‌برق‌مصرفی‌تا ۱۰۰ کیلووات را برای خانواده‌های‌کم درآمد بخشید. ولی این فرمان برای‌کشاورزان‌دهکده‌های اطراف صحنه کرمانشاه اجرا نمیشود. مأموران فقط‌کنتوروروودی برق به‌روستا را میخوانند، درحالیکه هر خانوار روستائی دراین دهکده‌هادارای کنتورخصوصی است و احتساب برق مصرفی و معافیت مصرف صدکیلووات هرخانواده بسادگی انجام‌پذیر است. برای دهقانان عدم اجرای فرمان امام دراین خصوص قابل درك‌نیست.

فرمان بخشودگی برق مصرفی خانوارهای‌کم‌درآمدروستائی کمکی‌است به‌اقتصاد ضعیف‌آنان. این امر طبعاً در بهبود تولید، ولواندك، بی‌تأثیر نیست. فرمان امام را جدی بگیرید.

تقسیم زمینهای فئودال‌در روستای «سرای» شبستر

در اواخر فروردین ماه، در روستای سرای، از توابع شبستر، زمینهای ارباب ده، که‌محمدرضاخان طباطبائی نام دارد، با کمك بی‌دریغ سپاه پاسداران بین روستائیان تقسیم شد. زمینهای این ارباب در حدود٤۰ هکتاربود، که اکثرا باغهای بادام است و قبلا با زور از روستائیان غصب شده بود.

مبارزه این روستائیان علیه زورگوئی و استثمار ارباب سابقه طولانی دارد. در زمان انقلاب، این مبارزه وسعت بیشتری پیدا کرد، تا اینکه روستائیان‌توانستند با اتحاد خود ارباب و طرفدارانش را مجبور به عقب‌نشینی کنند و با حمایت‌قاطع سپاه‌پاسداران زمینها را تقسیم نمایند.

زمینها بطورعادلانه بین‌دهقانان بی‌زمین و کم زمین، که درحدود ۱۲۰ نفر بودند، تقسیم شد و به هردهقان بی‌زمین تقریبا ۰٫۷۵ هکتار زمین رسید.

دهقانان، که در سایه انقلاب شکوهمند میهنمان و اتحاد و همبستگی خودشان به حق خود رسیده‌اند، با شور و علاقه‌و شادی فراوان به سرزمینهایشان میروند، تا برای تولید محصول بیشتر بکوشند.

همکاری و همیاری این‌دهقانان راه نیل آنها به زندگی بهتر است.

با تشکیل‌تعاونی، چه در تولید و چه برای فروش و مصرف، دهقانان میتوانند از وسائل کار مدرن و شیوه‌های کار جدید و کمکهای دولتی استفاده کنند و زندگی خودشان را جمعا، بکمك همدیگر بهبود بخشند.

خواست دهقانان: کوتاه کردن دست فئودالها، آب، مدرسه، حمام

روستای یوسف‌آباد از توابع قیدار زنجان است، که حدود ۱۳۰۰ نفر درآن زندگی میکنند. محصول عمده روستا عبارت‌است ازیونجه، گندم، جو، سیب‌زمینی، پیازکه بیشتر مصرف داخلی دارد وفقط مقدار کمی برای فروش ببازار زنجان فرستاده میشود. دامداری نیز دررستا وجود دارد، ولی رونق چندانی ندارد.

درده زمینهای زیادی وجود دارد، که بعلت کم‌آبی قابل کشت نیستند. نبودن‌آب ازمشکلات بزرگ این روستاست. تعداد زیادی چاه‌عمیق در ده وجود دارد، که خشك شده، ولی امکانات مالی روستائیان اجازه نمیدهد تااقدام به‌تعمیرشان کنند.

کمبود مدرسه مشکل دیگر اهالی است، بطوریکه اهالی منازلشان رادراختیار آموزش وپرورش گذاشته‌اند، تاجهت دایر کردن‌کلاسها ازآنها استفاده کنند. هماکنون فقط یك مدرسه کوچك درده وجود دارد، که بیش از۲۰۰ شاگردرا در خود جای داده است.

اهالی این روستا نیز بسان دیگر روستاهای آذربایجان از دست فئودالها، بخصوص خانواده ذوالفقاریها ودارودسته شاه مخلوع دلی پردارند وظلمهای زیادی ازدستشان کشیده‌اند، حتی بدست این افراد شخصی بنام روح‌اله جعفری شهید شده است.

اهالی ازدولت میخواهندکه بوضع آب مزروعی روستا، مدرسه، کوتاه کردن دست فئودالها ازسرشان، ایجادحمام وغیره توجه کند.

دهکده وشوه فم

دهقانان،همصدا، با امام: در این انقلاب شیطان بزرگ آمریکاست

هشدار!

فصل برداشت محصول نزدیك است. ضدانقلاب برای تضعیف انقلاب وضربه‌زدن به جمهوری اسلامی ایران ازهیچ کوششی فروگذار نمی‌کند.

خطرسوزاندن خرمن‌ها توسط عناصر خودفروخته ضدانقلاب وجود دارد.

خطرفاسدشدن محصول بعلت‌نداشتن وسیله درو وجمع‌آوری وجود دارد.

خطربهدررفتن محصول درنتیجه‌نخریدن آن به‌قیمت عادلانه وجود دارد.

خطرتحریك ونفاق‌افکنی‌ودعوا راه‌انداختن، که‌محصول را بباد میدهد، وجود دارد.

- باید نیروهای انتظامی ونهادهای انقلابی را برای مراقبت ازخرمن‌ها بسیج کرد.
- تاوقت باقی‌است، باید ماشین درووولوازم موردنیاز برداشت راتهیه کرد وبه‌قیمت نازل یامجانی دراختیار دهقانان قرار داد وانبارهارا آماده وضدعفونی کرد.
- باید قیمت عادله خرید محصول دهقانان را ازجانب موسسات دولتی تضمین کرد.

موفقیت هرچه بیشتر در برداشت محصول، بسود خود دهقانان وبسود مصرف‌کنندگان شهری‌است، تحکیم‌کننده اقتصادکشاورزی و موفقیتی است برای انقلاب ما.

دهقانان

ازخرمن‌ها محافظت کنید، جلوی خرابکاران وافراد مشکوك را بگیرید. باپرهیز ازنفاق، باهشیاری، متحدا ازمحصول، که دسترنج شماست، دفاع کنید.

محصول مال‌شماست، کشورما بآن احتیاج حیاتی‌دارد. آنراحفظ کنید.

باتصویب‌شورای انقلاب، راه برای اصلاحات ارضی واقعی وبنیادی گشوده شد.
دهقانان با انتخاب شوراهای ده‌درهمه‌جا وتشکل در اتحادیه‌ها،باین راه‌میروند

www.iran-archive.com

اعضای پیمان ورشو پشتیبانی خود را از حق ملت ایران برای تعیین سرنوشت اعلام و اقدام تجاوزکارانه امریکا علیه ایران را محکوم کردند

رهبران هفت کشور عضو پیمان ورشو (اتحاد شوروی، بلغارستان جمهوری دمکراتیک آلمان، چکسلواکی، رومانی، مجارستان و لهستان) در اجلاس کمیته سیاسی مشورتی این پیمان در ورشو، بیانیه مهمی منتشر کردند که خلاصه آن بشرح زیر است:

در سالهای گذشته در امر عادی کردن روابط میان کشورهای دارای نظامهای متفاوت در اروپا پیشرفت چشمگیری حاصل شد و این یکی از پیروزی‌های بزرگ است. اما این پیروزی خود بخود بدست نیامد، بلکه مخالفان تشنج‌زدائی و جنگ‌طلبان در برابر آن شدیداً مقاومت کردند.

در بیانیه اضافه شده است:

کشورهای پیمان ورشو همواره در صف اول صلح و تشنج‌زدایی بوده‌اند و در راه بدست آوردن تفوق نظامی تلاش نمی‌کنند و قصد ندارند ضربه اول را وارد سازند و یا راههای تدارکاتی در جهان را کنترل کنند، بلکه تنها خواهان تعادل نظامی هستند.

در بیانیه آمده است که کشورهای پیمان ورشو آماده‌اند به محض انحلال پیمان نظامی ناتو، این پیمان تدافعی را نیز منحل کنند.

در بیانیه اضافه میشود که اوضاع بین‌المللی اخیراً بسیار بغرنج‌تر شده و خطر برای صلح و تشنج‌زدایی افزایش یافته است. و این خطر ناشی از فعالیت محافل امپریالیستی و عظمت‌طلب است. محافل امپریالیستی با تعقیب این سیاست، در امور داخلی کشورها مداخله و حاکمیت کشورها را آشکارا نقض میکنند. تصمیم پیمان نظامی ناتو درمورد استقرار موشک‌های جدید هسته‌ای در اروپای غربی بویژه خطرناک است. موارد عدم احترام به قراردادهای بازرگانی از سوی آمریکا نیز زیادتر شده است.

در بیانیه از همه کشورها خواسته شده است که در امر تشنج‌زدایی تلاش کنند.

در این بیانیه، ضمن تاکید به اهمیت تشنج زدایی نظامی در اروپا گفته شده است که روش اتحاد شوروی در مورد خارج کردن قسمتی از نیروهای خود از جمهوری دموکراتیک آلمان نمونه‌ای از این سیاست صلح‌جویانه است.

در بیانیه پیشنهاد شده است که موافقت‌نامه‌ای در مورد عدم پیشدستی در استفاده از سلاح هسته‌ای و یا سلاحهای عادی امضاء شود. پیمان ورشو اعلام کرده است که برای مذاکره با ناتو درمورد موشک های برد متوسط آماده است، بشرط آنکه تصمیم در مورد استقرار موشک‌های جدید هسته‌ای آمریکا در اروپای غربی لغو شود و یا اجرای آن بحال تعلیق درآید.

کشورهای پیمان ورشو ضمن تاکید به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، اعلام کردند که مسئله خاورمیانه باید بطور همه‌جانبه و **باشرکت نمایندگان خلق فلسطین** حل شود.

سران پیمان ورشو اعلام کردند که باید هرگونه مداخله خارجی علیه مردم و دولت افغانستان قطع شود و تنها در این صورت است که مسائل فیمابین حل خواهد شد.

کشورهای پیمان ورشو پشتیبانی کامل خود را از حق ملت ایران برای تعیین مستقلانه سرنوشت خود، بدون هیچگونه مداخله خارجی اعلام کردند و اقدام تجاوزکارانه آمریکا را علیه ایران قاطعانه محکوم ساختند. کشورهای پیمان ورشو این اقدام را زورگویی خشن و نقض حاکمیت یک کشور مستقل تلقی کردند و ضمن تاکید به احترام به مقاوله نامه‌های وین اعلام کردند که باهیچ بهانه‌ای نمیتوان نقض حاکمیت و اعمال فشار را توجیه کرد. مشکل کنونی در روابط ایران و آمریکا باید براساس دوری جستن از هرگونه اقدام جنگی و توسل به زور حل شود.

کشورهای پیمان ورشو در بیانیه خود نقش موثر کشورهای غیرمتعهد را در راه صلح مورد تایید قرار دادند.

قابل توجه خبرنگاران نامه «مردم» در شهرستانها

هر روز دهها گزارش و صدها خبر از سراسر ایران که توسط رفقای حزبی و یا هواداران حزب تودهٔ ایران تهیه شده است، به نامه «مردم» میرسد. ما ضمن تشکر از همه خبرنگاران نامهٔ «مردم»، رفقا و دوستان حزبی، خواهانیم که برای بهتر شدن گزارشها و اخباری که بدست خوانندگان نامه «مردم» میرسد و همچنین سرعت بخشیدن بدرج اخبار و گزارش‌ها، حتماً نکات زیرین را رعایت کنند:

۱ـ اغلب همراه گزارش‌ها، بویژه گزارش‌های **محلات فقر** و همراه اخبار، بویژه اخبار تشکیل نمایشگاهها، **عکس‌های رنگی** برای ما فرستاده میشود. این امر در مورد گزارش‌های **کارگری و دهقانی** هم صادق است. از آنجا که عکس رنگی در نامه «مردم» از نظر فنی قابل استفاده نیست و باضافه چاپ و ظهور آنهم مدتی طول میکشد، لطفاً در درجه اول برای ما عکس و یا فیلم سیاه و سفید بفرستید. توجه میدهیم که تهیه عکس رنگی منتفی نیست و کسانیکه امکان دارند، میتوانند هر دو نوع فیلم، هم رنگی و هم سیاه و سفید را تهیه کنند. در اینگونه مواقع میتوانید برای سهولت و سرعت کار، عکس سیاه و سفید و فیلم رنگی را برای ما بفرستید.

۲ـ در بسیاری موارد، از محلاتی که گزارش آنها تهیه و در روزنامه چاپ شده است، برای ما گزارش میرسد. برای مثال تاکنون ۴ گزارش درباره محله زنجان شمالی، که گزارش آن قبلا در روزنامه چاپ شده، برای ما فرستاده شده است. تهیه این قبیل گزارش‌های تکراری تنها سبب هدر رفتن وقت میشود.

۳ـ در عکس‌هائی که از محلات فقر و زندگی زحمتکشان برای ما میرسد، اغلب تنها عکس خانه‌ها، کپرها، ویرانی محله گرفته شده است. این عکس‌ها لازم است، اما کافی نیست، در محلات فقر باید عکس انسانهائی که در آن شرایط زندگی میکنند نیز گرفته شود. بویژه تهیه عکس زحمتکشانی که هنگام تهیه گزارش با آنها گفت‌وگو میشود، حتما لازم است.

در گزارش‌هائی هم که از زندگانی زحمتکشان، بویژه کارگران و دهقانان تهیه میشود، باید حتما به تهیه عکس آنها هنگام کار و تصویر چهره آنها توجه داشت. اینگونه عکس‌ها باید زنده و هنگام کار گرفته شود، تا بتواند نحوه فعالیت زحمتکشان را نشان بدهد.

۴ـ اغلب عکس‌ها و یا فیلم‌هائی که همراه گزارش‌ها و اخبار میرسد، فاقد شرح است. حتما لازم است پشت هر قطعه عکس توضیح کافی درمورد آن داده شود. اگر فیلم را برای ما می‌فرستید، در نامه‌ای همراه فیلم برحسب شماره فیلم توضیحات آنرا بنویسید.

۵ـ مشخصات دقیق محلات فقر، و درصورت امکان، محل قرارگرفتن آنها را در شهر روی نقشه ترسیم کنید.

۶ـ هر گزارش و خبر باید شامل تاریخ روی دادن آن و نام شهر، روستا، کارخانه و محلی باشند که گزارش یا خبر از آنجا تهیه شده است.

۷ـ برای آنکه اشتباهی بخصوص در اسامی اشخاص و محلها روی ندهد، اسامی دوبار و بزرگ و کاملا خوانا نوشته شود.

۸ـ گزارش‌ها و اخبار را یک طرف صفحه و با خط خوانا بنویسید، اگر با ماشین تحریر باشد چه بهتر.

نامه «مردم»

زیمبابوه چگونه به آزادی...

بقیه از صفحه ۴

سفیدپوستان با اعلام باصطلاح استقلال، که باتبانی امپریالیستهای انگلیس و آمریکائی صورت گرفت، درحقیقت استقلال اکثریت سیاه پوست را با گستاخی بی‌شرمانه‌ای نقض کردند و این ظلم بی‌پرده، بذرهای آتشینی را در بطن خود پرورد، که در سالهای بعد، گلهای خون و باروت آن در قیام مسلحانه خلق زیمبابوه، بر رهبری موگابه و نکومو شکفت. سیعیت بی‌پر منشانه اشغالگران و ارباب اروپائی و آمریکائی آنها که به‌هیچ قیمت نمیخواستند این شبه مستعمره زرخیز و غنی را از دست بدهند، اگرچه ۳۰۰ هزار شهید روی دست ملت ستمدیده زیمبابوه گذاشت، اما نهضت استقلال را، که تفنگ جنگجویان پیشاپیش آن شراره میزد، تا اعماق رودزیای اشغال‌شده رسوخ داد.

با بهم‌خوردن تعادل قوا در سطح جهانی به زیان امپریالیستهای غارتگر، بیداری و عصیان خلقها، و مسئله مهم دیگر، آزادی مستعمرات سابق پرتغال و بویژه آنگولا و موزامبیک، که حلقه محاصره را بر گرد رودزیا تنگ‌تر کرد و پایگاههای نظامی و استراتژیک پر اهمیتی در کشورهای همسایه در اختیار جنگجویان استقلال‌طلب زیمبابوه قرارداد، دیگر ادامه حکومت نژادپرستان، که مبتنی بر زور و خشونت و ارعاب بود، دورنمائی نداشت. آتش مبارزه با جلب توده‌های هرچه وسیعتر بمیدان نبرد سرنوشت، مردم شعله‌ورتر میشد. استعمارگران انگلیسی برای جلوگیری از تلاشی حکومت نژادپرستان و توجه‌های خود بدست و پا افتادند. کنفرانس‌های پیاپی لندن در مسیر این دسیسه تشکیل شدند. نخست مزدور سرسپرده‌ای چون موزوروا را بعنوان نخستین نخست‌وزیر سیاهپوست ـ که یان اسمیت همپکی از وزرایش بود ـ به خلق دلاوری که در حال قیام بود، تحمیل کردند. اما این نیرنگ هم کاری از پیش نبرد و سرانجام استعمارگران و اشغالگران به برگزاری انتخابات آزادی که سرنوشت حاکمیت سیاسی رودزیا را تعیین کند، تن دادند.

در توافقنامه لندن بیست کرسی از مجموع ۱۰۰ کرسی پارلمان برای سفیدپوستان در نظر گرفته شد و از ۸۰ کرسی باقیمانده، ۲۰ کرسی نصیب طرفداران نکومو و ۵۷ کرسی نصیب طرفداران موگابه شد و تنها ۳ کرسی بدست موزوروا، این سرسپرده و شریک استعمارگران افتاد.

بدینسان، نبرد مسلحانه، در آمیزش با مبارزات سیاسی، سرانجام پیروزی را حاصل کرد و مردم مجاز به در دست گرفتن بخش بزرگی از حق حاکمیت و سرنوشت خود شدند. اما آنها میدانند که تنها شکل نبرد تغییر کرده است و عزم آنها برای ادامه بی‌وقفه پیکار در عرصه های جدید باید جزم باشد.

آزادی و استقلال تام و تمام و واقعی، مسیری پر نشیب و فراز، پرصخره و پرتگاه دارد، که تنها جانهای شیفته و آگاه قادر به رسیدن در آن هستند. امپریالیسم دشمن اصلی همه خلقها و جلاد جهانی آزادی، افسونگر کارکشته‌ای است. مردم آزاده زیمبابوه نشان دادند که در نبرد با این افسونگر کهنه کار، که در سراشیب تاریخ پر جنایت و دغل و دسیسه خود با سرعت دم‌افزونی به اعماق جهنم سقوط میکند، آماده مواجهه با هر دشواری و هر ایثاری هستند.

نامه «مردم» به زبان آذربایجانی منتشر شد

دومین شماره «دنیا» در سال ۱۳۵۹ بزودی منتشر میشود

«پرسش و پاسخ»

جلسات «پرسش و پاسخ» **روزهای پنجشنبه از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر** در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران تشکیل میشود.

نمایشگاه جنایات رژیم ضدکارگری شاه مخلوع درشیراز

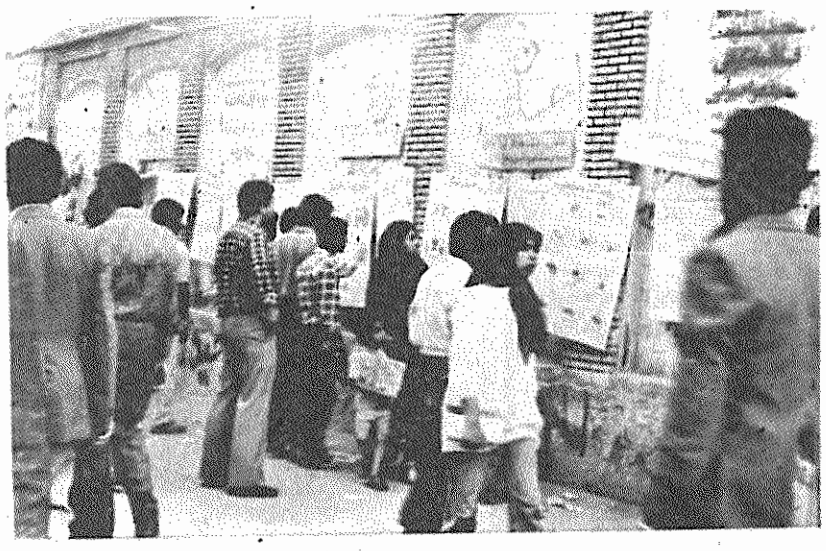

از طرف سازمان ایالتی حزب تودهٔ ایران در فارس، نمایشگاه عکس از جنایات رژیم ضدکارگری شاه مخلوع، بمناسبت جشن اول ماه مه، بمدت یک هفته از ۵۹/۲/۹ تا ۵۹/۲/۱۵، در خیابان زندشیراز برگزار شد.

این نمایشگاه مورد استقبال اقشار مختلف مردم، بخصوص کارگران قرار گرفت. هواداران حزب تودهٔ ایران با توضیح خط‌مشی سیاسی حزب تودهٔ ایران و فروش نامهٔ مردم و نشریات دیگر حزب، وظیفه انقلابی خود را در این امر مهم انجام میدادند.

درمطبوعات کشور

نگرانی امپریالیسم، از عمق یافتن مبارزه ضداستعماری

درباره حفظ پل‌های ارتباطی غرب، که منافع امپریالیسم را در کلیت خود، تأمین کند، در شمارهٔ گذشته مطالبی بیان داشتیم و در آنجا گفتیم که در همین رابطه است که اروپای غربی، درمورد تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا، انعطاف نشان میدهد. این انعطاف، از یک نظر ناشی از ترسی است که امپریالیسم، از عمق یافتن مبارزهٔ ضدامپریالیستی و حرکت خلق به سمت خودکفائی دارد، و از نظر دیگر از گسترش روابط اقتصادی با کشورهای مترقی نیز هراسناک است.

یکی از وجوه بارز و محتوم مبارزهٔ ضدامپریالیستی، اتکاء به خلق و اتخاذ روشهایی برای نیل به خودکفائی اقتصادی است.

ولی تا رسیدن به این مرحله، نیازهایمان را چگونه برآورده می‌کنیم، ضمن تأکید بر اصل قطع وابستگی‌های امپریالیستی، می‌توان برای تامین این نیازها بطور موقت، از طریق کشورهای مترقی و ضدامپریالیست نیازهای ضروری را برآورده نمود.

در این رابطه، اگر می‌بینیم علیرغم جار و جنجال تحریم اقتصادی ایران، امپریالیسم به اتخاذ سیاست‌های به‌ظاهر دوگانه‌ای دست می‌زند و اروپای غربی را برای حفظ روابط گذشته وارد میدان می‌نماید، درک دقیق همین مفهوم است، چراکه اگر مبارزه سمت توده‌ای و خلقی خود را بیابد، قطع وابستگی‌های استعماری (اقتصادی، نظامی،...) را بدنبال خواهد داشت و این چیزی نیست که خوشایند جهانخواران امپریالیست باشد.

«جان کراهام» سفیر انگلیس در ایران ماهیت این سیاست را برملا ساخته و می‌گوید:

«تحریم اقتصادی ایران» به مفهوم واقعی، امکان آشتی و مصالحه را بعد از تشکیل مجلس ایران منتفی می‌نماید (یعنی همان تشدید جو ضدغربی ـ ضدامپریالیستی که فوقاً بدان اشاره شد) و باعث قطع وابستگی‌های ایران به غرب، از طریق ایجاد روابط اقتصادی با سایر کشورها می‌شود.

آری، زنگ خطر برای امپریالیسم، وقتی به صدا درمی‌آید، که حرکت خلقی، درجهت نفی قراردادهای اسارت‌بار امپریالیستی سمت گیرد.

(مجاهد، ۲۷ اردیبهشت)

درجهان سوسیالیسم

افزایش تولید کشاورزی در کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی

دردهه‌های گذشته، دگرگونی‌های بنیادی در کشاورزی کشورهای عضو «شورای همیاری اقتصادی» صورت پذیرفته است. این کشورها توانسته‌اند، علیرغم کاهش چشمگیر شاغلان کشاورزی، تولید کشاورزی را افزایش دهند. چنین دستاوردی، تنها در پرتو ایجاد واحدهای بزرگ سوسیالیستی در کشاورزی، تحکیم روزافزون پایه مادی ـ فنی و ازدیاد بارآوری کار امکان‌پذیر گردیده است.

تولید ناویژه کشاورزی کشورهای عضو «شورا» درسالهای ۵۷ـ۱۳۲۹ ـ ۲٫۵ برابر شد. درسالهای ۵۷ـ۱۳۵۵ در این کشورها، سالانه، بطور میانگین نزدیک به ۳۰۰ میلیون تن غله و حبوبات تولید گشت. این رقم ۲٫۳ برابر میانگین سالانه ۳۴ـ۱۳۳۰ است.

در سالهای گذشته تولید دیگر فرآورده‌های کشاورزی کشورهای عضو «شورای همیاری اقتصادی» نیز بسی افزایش یافته است. برای نمونه، درسالهای ۵۷ـ۱۳۲۹ تولید چغندر قند نزدیک به سه برابر و تولید دانه‌های روغنی ۲٫۳ برابر شد. تولید گوشت در سال ۱۳۵۷، ۲۵٫۷ میلیون تن، و بدین ترتیب ۲٫۴ برابر پیکره همانند در سال ۱۳۲۹، بود.

کشورهای عضو «شورا» درسال ۱۳۵۷، ۹۶٫۶ میلیارد تخم‌مرغ تولید کردند (۴٫۷ برابر سال ۱۳۲۹). «شورای همیاری اقتصادی»، هرچند کمی بیشتر از ۱۰ درصد سکنه روی زمین را دربر میگیرد، ۲۰ درصد گوشت، ۲۵ درصد شکر و ۳۰ درصد کره جهان را تولید میکند.

درجهان سرمایه‌داری

افزایش بیکاری زحمتکشان و افزایش سود انحصارگران

در بریتانیای کبیر در ماه مارس، ۴۵ هزار نفر به خیل بیکاران افزوده شدند. بدین‌ترتیب، شماره بیکاران آن کشور در ۷ ماه گذشته بمقدار ۲۰۰ هزار تن افزایش یافته است. بنابراین، تعداد بیکاران بریتانیا اینک بیش از ۱٫۱ میلیون است.

چنین گرایشی نه‌تنها در بریتانیا بلکه در ایالات متحده آمریکا، ایتالیا، فرانسه و غیره نیز بچشم میخورد. «دفتر فدرال کار» آلمان غربی پیش‌بینی میکند که در آن کشور امسال، در حدود ۲۲۰۰۰۰ نفر به شماره بیکاران اضافه خواهد شد.

باید یادآور شد که در ۲۴ کشور عضو «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی»، هم‌اکنون ۱۷ میلیون نفر بیکارند.

ازسوی دیگر، ۵۰۰ بنگاه بزرگ انحصاری آمریکا، درحالیکه در سال گذشته، بیکاری در آن کشور بمقدار صدهاهزار نفر ازدیاد یافت، سود ویژه خود را درهمان مدت، بیش از ۲۷ درصد افزایش دادند.

شماره‌های گذشته نامه «مردم» ـ از شماره یک تا صد ـ برای فروش به طور تک‌شماره آماده است

به دفتر نامه «مردم» مراجعه فرمائید

برای شهیدان حزب و جنبش

نامه «مردم» در نظر دارد عکسهای تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت ننگین و منفور خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود بشهادت رسیده‌اند، جمع آوری کند. از همه میهن‌دوستان و آزادی‌خواهان تقاضا میشود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر نامه «مردم» مراجعه کنند.

باسپاس ـ نامه «مردم»

گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

www.iran-archive.com

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

به اضافه صد کیلو: ۱ـ رضا سوخته سرایی از ایران ۲ـ پارچوکف از شوروی
۳ ـ پانایت آناچه از رومانی درمراسم آخرین شب توزیع جوایز جام تختی

کنفرانس ورشو...

بقیه ازصفحه ۲

کشورهای عضوپیمان‌ورشو، همه‌کشورهای اروپائی‌وجهان را به‌ادامه سیاست تشنج‌زدائی‌ودفاع ازصلح وهمکاریهای مسالمت‌آمیز درعرصه بین‌المللی فرامیخوانند

کشورهای سوسیالیستی‌عضو پیمان ورشو براین عقیده‌اند که تمام اختلافات ومناقشات درهر نقطه ازجهان بایستی ازطرق مسالمت‌آمیزحل وفصل شوند.

دراین اعلامیه روی مواضع کشورهای سوسیالیستی‌عضوپیمان ورشو درمورد حل‌وفصل‌همه‌جانبه مسئله خاور نزدیک وحل سیاسی مسئله‌افغانستان‌باقطع‌هرنوع‌مداخله خارجی‌علیه‌مردم‌ودولت‌افغانستان تأکید شده است.

دراعلامیه آمده است،

شرکت کنندگان در کنفرانس پیمان‌ورشواز‌حقوق مسلم مردم ایران در تعیین مستقلانه‌سرنوشت‌وراه‌پیشرفت آینده خود، بدون هرگونه مداخله خارجی، پشتیبانی میکنند.

کنفرانس‌کشورهای عضو پیمان ورشو تجاوز نظامی و عملیات خرابکارانه‌اخیرایالات متحده آمریکا علیه ایران رابا قاطعیت محکوم کرد و آنرا بمثابه یک‌اقدام‌خشن مداخله درامور داخلی ایران و نقض حق‌حاکمیت‌این کشورتوصیف نمود.

کشورهای شرکت کننده در کنفرانس، ضمن تأییداین مطلب که‌تمام دولتها موظفند تعهدات خود مربوط به‌مقاوله‌نامه‌های‌وین در مورد روابط دیپلماتیک را اکیداً رعایت کنند. اعلام‌میدارند که با استفاده از هیچ انگیزه‌ای نمیتوان حق‌حاکمیت کشوردیگر رانقض‌کرد ویااعمال‌فشاربرآنرا توجیه نمود.

کشورهای‌عضوپیمان‌ورشو براین‌عقیده‌اند که‌مشکلاتی‌که درروابط آمریکا و ایران پدید آمده، مانند هرمسئله دیگر بین‌المللی، بایدازراه‌مذاکرات وبرپایه اصول‌وموازین حقوق بین‌المللی ونفی‌هرگونه‌اقدام نظامی‌وتوسل بزورحل‌وفصل شود.

دراعلامیه به‌نقش مثبت‌روزافزون‌کشوری غیر متعهد درحل مسائل بغرنج بین‌المللی اشاره شده‌است.

در اعلامیه آمده است که کشورهای عضو پیمان‌ورشواعتقاد راسخ دارندکه خلقها ودول‌صلح‌طلب، بااحساس مسئولیت عمیق درقبال صلح‌جهانی، میتوانند در حفظ‌صلح و استحکام مبانی آن پیروز شوند.

زادروز هوشی‌مین...

بقیه ازصفحه ۶

آزادی، برای سوسیالیسم‌وکمونیسم کرد. وی‌روحیه‌استقلال‌طلبی‌راتقویت کرد، مارکسیسم‌لنینیسم را درشرایط مشخص‌کشورما خلاقانه بمورد اجرا گذارد ومیهن‌دوستی واقعی را با انترناسیونالیسم پرولتری‌توأم کرد. وی تجسم پسندیده‌ترین‌سخن‌ملت ویتنام، با ایدئولوژی انقلابی بنیانی عصرما، مارکسیسم‌لنینیسم‌بود.

زندگی وی نمونه درخشان قهرمانی‌انقلابی، همبستگی‌رزمنده، سادگی، فروتنی، کوشائی، صرفه‌جوئی، راستی، درستی، وقف تمام به منافع عمومی و از خودگذشتگی کامل بود. موفقیتهای درخشان انقلاب ویتنام درزمانیکه حزب ما بوجودآمد، از نزدیک بوی مربوط بود ونام‌وی مظهردرخشانترین‌تاریخ ملت ویتنام است.»

آری، گرچه هوشی‌مین باندازهٔ‌کافی نزیست‌که وحدت شمال‌وجنوب‌کشورش‌را به چشمان خود ببیند، ولی وی برای همیشه درقلبهای خلق ویتنام و خلقهای جهان میزید وخواهد زیست.

سازمان جوانان ودانشجویان دمکرات ایران:

مااجلاس اخیر کشورهای عضو پیمان‌ناتورا محکوم می کنیم

ماه مه امسال مصادف است با سی‌وپنجمین سالگرد شکست فاشیسم‌آلمان وپایان‌جنگ‌جهانی دوم دراروپا. درهمین ماه‌اجلاس وزرای دفاع پیمان تجاوزکارناتو در بروکسل (۱۱ تا ۱۴ مه) و اجلاس وزرای خارجه پیمان‌ناتو درآنکارا (۲۵ و۲۶مه) برگزار می‌شود.

ایالات متحده واعضاء ناتو می‌کوشند که‌طرح استقرارموشک‌های پرشینگ ۲ را در اروپای غربی عملی سازند. این طرح که اهداف تجاوزکارانه‌ای را دنبال می‌کند، مورد اعتراض نیروهای ترقیخواه، دموکراتیک و صلح‌دوست جهان قرار گرفته است. سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران نیز بدرخواست اتحادیه بین‌المللی دانشجویان اعتراضیه زیرین را به‌سفارتخانه‌های کشورهای شرکت‌کننده در این اجلاس ارسال داشته است:

سی‌وپنجمین سالگردشکست فاشیسم درشرایطی برگزارمیشود که‌جهانیان به‌ضرورت‌صلح، امنیت و تشنج‌زدایی پی‌برده‌اند، مشی نواستعماری دول امپریالیستی، درتمام زمینه‌ها بامخالفت روبرو می‌شود، و هرروزکه می‌گذرد، چهره واقعی محافل میلیتاریست، و نیز انحصارات چندملیتی، کارتل‌ها و تراست‌ها، از ورای صورتک‌های دروغین و شعارهای توخالی آشکارتر می‌شود.

سیاست تجاوزکارانه‌کارتر، که‌درحقیقت سیاست محافل‌نظامی ـصنعتی ایالات‌متحده است، نه‌تنها بارسنگینی بردوش مردم آمریکا است، بلکه همچنین جهان را در آستانه‌مرحله‌نوین‌جنگ سردقرار می‌دهد.

تصمیم‌رهبران‌ناتوبه‌افزایش بودجه‌نظامی، استقرار موشک‌های پرشینگ۲ و کروز در برخی از کشورهای اروپای غربی عضو ناتو، بقای پایگاههای نظامی‌در کارائیب، کوشش برای‌ایجادپیمان آتلانتیک جنوبی، وغیره، نمونه‌های روشنی ازاین سیاست جدید هستند، که مورد مخالفت همه نیروهاوکشورهای صلح‌طلب‌قرار گرفته است.

مردم ایران‌که خود طعم‌تلخ وحشیگری محافل امپریالیستی ایالات متحده‌را باپوست وگوشت خود احساس‌کرده‌اند، انزجار عمیق خودرا از سیاست تجاوزکارانه‌ناتو، ازحضورنظامی‌ایالات متحده در اقیانوس هند، وبویژه تجاوز نظامی بیشرمانه اخیر ایالات متحده به ایران ابراز می‌دارند.

«سازمان‌جوانان‌ودانشجویان دمکرات ایران» عقیده دارد که اجلاس وزرای دفاع کشورهای ناتو (۱۴ـ۱۱مه، بروکسل)، و اجلاس وزرای خارجه کشورهای ناتو (۲۶ـ۲۵ مه، آنکارا)، در راستای افزایش تشنج و خطر جنگ است، وبشدت‌اینده‌واجلاس رامحکوم می‌کند.

سازمان جوانان ودانشجویان دمکرات ایران
۵۹/۲/۲۷

با توسعه اسکله های بنادر انزلی و نوشهر، توطئه محاصره اقتصادی امریکارا خنثی کنید

درگذشته، رژیم شاه‌مخلوع بمنظور تحکیم و گسترش اقتصاد وابسته ومصرفی بنفع کشورهای‌امپریالیستی تمام شرایط وامکانات رادرزمینه‌های‌گوناگون برای تثبیت‌وادامه این اقتصاد فراهم‌می‌آورد.

دراجرای این طرحهای‌خائنانه، سازمان‌بنادر وکشتیرانی، ظرف چندسال‌گذشته باصرف میلیاردها ریال، توسط مقاطعه‌کاران ومشاوران کشورهای امپریالیستی وشرکت‌های چندملیتی به‌توسعه واحداث‌بنادر جدید دربندرعباس، بندرخمینی وبندربوشهر، که‌همگی درجنوب ایران‌قراردارند، پرداخت.ولی‌باتوجه‌باین‌که صفحات شمالی‌ایران محل خوشگذرانی‌ها وعیاشی‌های دربار وورباریان شاه مخلوع‌شده بود، وهمچنین‌درادامه چپاول مردم ایران بنفع سودپرستان داخلی وخارجی، وازطرف‌دیگر دشمنی فزاینده بااتحاد شوروی، ازطرف سازمان بنادر وکشتیرانی، کوچکترین توجهی‌به‌بنادر بازرگانی نوشهر وانزلی، که‌درشمال‌کشور قراردارند، نمیشد واین دوبندر بازرگانی باظرفیت‌های‌بسیارکمی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفتند.

اکنون که‌انقلاب‌بزرگ‌ضدامپریالیستی‌ما پیروز شده‌وکشورما ازطرف‌امپریالیسم‌آمریکاومتحدان‌غربی‌او موردمحاصره‌اقتصادی‌قرارگرفته‌ودرنتیجه‌بنادربازرگانی جنوب‌نیز موردتهدید جدی واقع‌شده‌است، لازم است‌از هم‌اکنون دولت انقلاب وسازمان بنادر وکشتیرانی، با درک واقعیت‌ها، درمورد نوسازی و توسعه اسکله‌ها و باراندازها وانبارهای بنادر انزلی ونوشهر دست به اقدامات اساسی بزنند، وباین مهم توجه‌کافی‌نمایندکه درآینده می‌بایست بنادر شمالی‌ما، بازمینه‌های‌اقتصادی واجتماعی‌که درمنطقه وجود دارد واز نیروی کارماهر نیز برخوردار است، مورد بهره‌برداری جدی و وسیع قرارگیرد.

امپریالیسم درایران ناامیدشده‌است

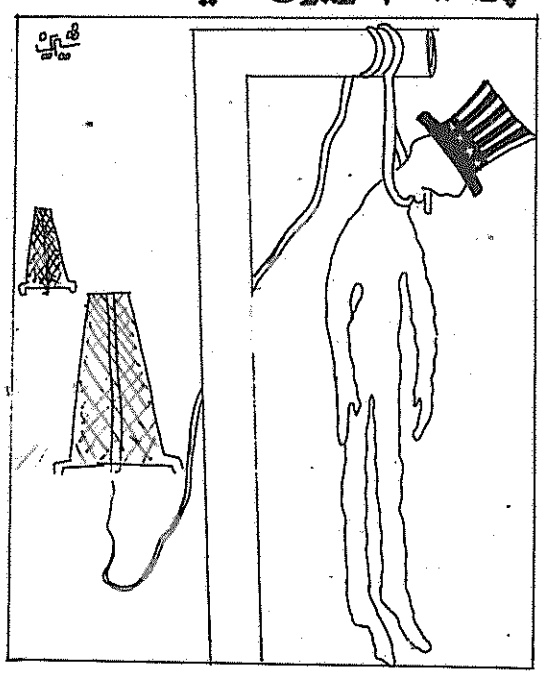

(اطلاعات، ۲۸ اردی‌بهشت ۱۳۵۹)

ظاهرا گروههای غیراسلامی راسرجای خود بنشانند نیز میتوانند درخدمت دشمن قرار بگیرند، چراکه به محیط آشوب وغیرقابل کنترل دامن میزنند وبه‌این ترتیب باگروههای چپ‌نماکه ظاهرا درمقابل یکدیگر بیک جنگ زرگری در خدمت دشمن دست میزنند. البته بی‌گفتگو عده‌ای که شاید شمارشان نیزکم نباشد، تحریک شده وناآگاهانه بطرفین می‌پیوندند ومحیط رابیش از پیش متشنج میکنند، امااین تنها شیوه دشمن نیست. دشمن با بخطر انداختن امنیت کامل کشور، باایجاد وهدایت گروههای مسلح وابسته‌که دراین سووآنسوی کشور به فعالیتهای مخرب و تجزیه طلبانه میپردازند، محیطی آکنده ازتشویش واضطراب و رعب ووحشت ایجاد میکنند تازمینه لازم رابرای یک دیکتاتوری که ظاهرا میخواهد باتوسل به زور «امنیت» رادر سراسر کشور برقرار کند بوجود آورد.

دراین میان محاصره اقتصادی وسیاسی ونظامی و ... تهدیدهای نظامی‌ازجانب خود یادست نشاندگانش نیز ازدیگر شیوه‌های اواست، امااگر ماموفق شویم توطئه‌های اورا درداخل مرزها خنثی کنیم، آن‌تهدیدها نمیتوانند کارگر شوند.

بدینقرار آمدن هواپیماها وهلیکوپترهای نظامی‌وکماندوهای آمریکا به‌ایران برای آزادکردن گروگانها نبوده‌است، بلکه برای پشتیبانی ازحکومت کودتا که آمریکا خواب آنرا میدیده، بوده است.

وعنوان نمودن آزادی جاسوسان آمریکائی ازطرف کارتر می‌تواند پوششی برای پنهان نمودن نقشه اصلی باشد. اما چگونه می‌توان باروشهای عمومی دشمن به مقابله برخاست؟ این روشها نیز باید عمومی وبرای همگان قابل اجرا باشند.

(انقلاب اسلامی، ۹ اردیبهشت)

درمطبوعات کشور

گرانی قیمت‌ها سوهان روح مستضعفین

● تا تورم باعث نارضایتی بیشتر مردم نشده و بجای خطرناکتوی نرسیده باید بفکر چاره‌اندیشی بود.

برای چندمین‌مرتبه درپس‌گرانی روزافزون و بی‌ضابطه قیمتها، گزارشگران ماپه تحقیق پرداختند و با مطالعات خود در بازارهای مختلف باین‌نتیجه رسیده‌اندکه عرضه و تقاضای‌کالاهای مصرفی‌اکثراً یک‌بعدی شده‌است وگرانی‌مواد غذائی‌ومیوه وپوشاک ومسکن، بطورکلی‌تمام مایحتاج روزمره این‌روزها سرسام‌آورشده است، بطوریکه نه نظامی برروابط تولیدکننده وواسطه و مصرف‌کننده نظارت دارد ونه مسببین ضدانقلاب این‌گرانی سرسام‌آور بهیچیک از دستورات رهبر انقلاب و رئیس جمهور منتخب انقلاب گوش‌دادند وباوجودیکه بنی‌صدر رئیس‌جمهورکشورمان دربازار درمقابل‌فروشگاه بازاریان پیروخط امام و چه توسط رسانه‌های گروهی بارها سخنرانی‌کرده ووظیفه آنها را بیان داشته‌است‌که متاسفانه اصلاگوش‌شنوائی نبوده‌است وملاحظه میکنیم‌که قیمت‌ها روزبروز سیرصعودی دارد وچپاولگران‌که اکثراً تولیدکننده‌ها و واسطه‌هامیباشند، سودکالاهای مصرفی‌را به جیب میزنند واز هیچ کوششی برای‌گرانفروشی بیشتر و اخاذی از مصرف‌کننده مظلوم دریغ ندارند. برمسئولین است‌که‌هرچه‌زودترآنها مبارزه باگرانی‌و گرانفروشی‌ازطریق‌کاهش تزریق پول دربازار وبا افزایش عرضه اقدام نمایند، زیرا زمزمه‌های نارضایتی‌ازهمه‌کس شنیده میشود و تااین‌تورم باعث نارضایتی بیشترنشده وبجای خطرناکتری‌نرسیده باید بفکرچاره‌اندیشی بود. (انقلاب اسلامی، ۲۷ اردیبهشت)

روش دشمن

این اولین بار نبودکه آمریکا برای ساقط نمودن یک حکومت انقلابی وملی دست به توطئه یک کودتا زد و آخرین بار هم نیست.

سخنان دولتمردان آمریکا پس ازاین اقدام نافرجام و روش کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا بیش‌ازپیش روشن میکند که کشورهای اروپای غربی پیرو سیاست آمریکا در جهان زیر سلطه وی میباشند. واینهمه نشاندهنده آنست‌که اینان برای از پای درآوردن دولت‌انقلاب همداستانند. آیاعمال سفارت انگلستان درایران قبل وبعداز اقدامات تجاوزکارانه آمریکا نشان نمیدهد که عامل اجرائی نقشه‌های آمریکا درانگلستان است؟

میتوان مطمئن بودکه شکست طرح کودتای‌آمریکا درایران بهمین‌جا ختم نمیشود، بلکه این سلطه‌گر میکوشد نقشه های دیگری رابرای استقرار مجدد حکومتی دست نشانده به‌اجرا گذارد.

منابراین آنچه دراین میان سخت درخور اهمیت است اینکه روشهای دشمن رابشناسیم ومقابله باآنهارا بیابیم.

گروهها ودسته‌هائی‌که به‌چماق بدست معروفند وخودسرانه وبدون توجه به دستورات مقامات مسئول باچماق وسنگ میکوشند

کاخ بیداد را لرزان کنیم خانه حزب را کنیم آباد

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواهیم همراه شما وبه‌کمک شما جشن چهلمین‌سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران را درخانهٔ حزب برگزارکنیم. برای خریدن ویاساختن خانهٔ حزب به‌کمک مالی شما نیازمندیم. باکمک خود دراین جنبش همبستگی وخلقی شرکت‌کنید.

کمک مالی خودرا به‌نام رضاشلتوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک‌ملت‌ایران(بانک‌تهران‌سابق) شعبه‌ایرانشهر شمالی بپردازید.

توجه: ۱) پرداخت پول، باذکر مشخصات فوق، به‌تمام شعبه‌های‌بانک ملت‌ایران (بانک تهران سابق)ممکن است. ۲) ازکمک‌کنندگان خواهشمندیم فتوکپی‌فیش‌بانکی رابه‌آدرس دبیرخانه‌کمیته مرکزی: تهران، خیابان۱۶آذر، شماره ۶۸ ارسال‌دارند.

یک عضو قدیمی حزب	۵۰۰۰۰ ریال
حسین و برادران او	۱۳۶۰۰ »
فرزانه محمدی	۲۰۰۰۰ »
اسد	۳۵۰۰ »
آذر ب.ك از تبریز	۴۰۰۰ »
م. از اصفهان	۱۵۰۰۰ »
م. ازکرج	۶۰۰۰ »
گروهی از فارغ‌التحصیلان اتریش	۲۳۰۰۰ »
هوادار حزب در شیراز	۱۰۰۰۰ »
آلینا	۵۰۰۰ »
هواداران حزب‌دردبیرستان نوربخش‌تهران	۱۰۱۴۶ »
خانواده بهروزی از بهبهان	۳۰۰۰۰ »
خانم هواداری از ارامنه	۸۰۰۰ »
هواداران حزب در انگلستان	۵۰۰ لیره
روزبه سلیمی	۲۰۰۰ ریال

علی‌اکبر ۱۲ ساله تمام موجودی قلکش را به‌خانه حزب پدرش هدیه‌کرد.

اعضاء وهواداران‌حزب درکسماء توسط‌بهرام ۲۰۰۰۰ریال

با اتکا به‌پیام تاریخی امام‌خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تامین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

انقلاب فرهنگی: حدود و محتوای آن

نامه «مردم» درآن روزها که بحث درباره انقلاب فرهنگی «داغ» بود، نظرخود را درباره تعریف صحیح این انقلاب وهدفهای آن بیان داشت. این بحثی است که ازطرف مقامات رسمی کشور طرح شده وهرچه درباره آن دقت شود، زائدنیست.

سرنوشت «اصطلاحات» وواژه‌هایی که‌درتاریخ بد وناقص فهمیده شده، روشن است. چه سوءاستفاده‌هایی ازکلماتی مانند آزادی، دمکراسی، برابری، عدالت‌ـ اجتماعی، انقلاب، ترقی و انساندوستی و غیره شده و میشود. چه سوءاستفاده‌هایی میتواند از اصطلاحات وواژه‌های تازه بعمل‌آید. مردمی که نخواهند در دام‌افتند، باید در واژه‌ها و اصطلاحات و فرمولبندیها دقت‌کنند . نقاد باشند. مجذوب شعشه الفاظ نشوند. بفهمندکه چه میخواهند.

در روند انقلاب‌های بزرگ معمولاچندانقلاب **بناگزیر** دست دردست یکدیگر ، آن‌کل واحد بزرگ انقلابی را بوجود میآورند. اینها عبارتنداز انقلاب سیاسی، انقلاب اقتصادی، انقلاب اجتماعی و انقلاب فرهنگی، که طی زمان به‌نوعی انقلاب روحی وپیدایش «انسان‌نو» می‌انجامد.

● ـ **انقلاب سیاسی**، یعنی تغییرحاکمیت درجهت منافع خلق،

● ـ **انقلاب اقتصادی**، یعنی‌تغییرمالکیت وحیات مادی جامعه درجهت منافع خلق،

● ـ **انقلاب اجتماعی**، یعنی تغییر **ساخت طبقاتی جامعه** درجهت منافع خلق،

● ـ **انقلاب فرهنگی**، یعنی تغییر **حیات معنوی جامعه** درجهت منافع خلق،

● ـ **انقلاب روحی**، یعنی‌پیدایش‌**انسان‌نو** ازجهت تفکر، شیوه عمل، عواطف وآرمانها.

انقلاب سیاسی **زمینه مقدم** برای انقلابات بعدی است، انقلابهای اقتصادی‌واجتماعی‌شرایط‌ضرور برای **تحکیم وتثبیت** انقلاب سیاسی است. برپایه‌این مقدمات اولیه است‌که انقلاب فرهنگی میتواندازعرصه سخن خارج شود وتحقق واقعی بیابد، و مجموعه این انقلابات است‌که تغییری ژرف درخود انسان بوجود میآورد.

بزرگترین بلیه‌یك‌انقلاب،سخن‌بازی‌ووعده‌های بی‌پشتوانه است. اگرما به‌دشواری‌های بغرنج مکانیسم انقلاب آنهم در زیرفشار غول‌آسای دشمنان خارجی و درونی، توجه نکنیم وبه‌شیوه اراده‌گرایان، تصورکنیم که چون «من» میخواهم، پس حتما میشود،آنوقت‌حتما انقلاب را بسوی زوال برده‌ایم.

متأسفانه تمام این بلایا در انقلاب‌ما دیده میشود وکسانی راکه به‌پیروزی این‌انقلاب علاقمندند، نگران میکنند. دراثر اصرارآنکه دانش جامعه‌شناسی انقلابی را نفی‌کنند ویك‌مشت استنباطات عادیه‌ای و ازهم‌گسسته‌رابازدن برچسب‌های پرس‌وصدای دلبخواه جانشین آن سازند، در هم‌اندیشی خطرناکی پدید شده است‌که کار را بتدریج بجایی خواهد رساندکه همه اصطلاحات **جدی ومقدس** به‌مبتذلات زننده‌ای بدل گردد، یعنی‌آنچه‌که امپریالیسم وضدانقلاب داخلی میخواهد، عملی شود. کثیف‌کردن واژه‌ها وافکارانقلابی وازجلوه انداختن‌آنهاکار فوق‌العاده زشت وخطرناکی است .

اثبات اینکه مفاهیم مترقی انقلابی در عمل میان‌تهی‌وپوچ‌است،یکی‌ازتاکتیك‌های‌امپریالیستی‌است. طراحان بخش ایدئولوژیك سازمانهای جاسوسی امپریالیستی صریحا تصمیم‌گرفته‌اند به‌مردم ثابت‌کنند که‌اصطلاحات انقلابی چیزی جزمشتی«مبهمات‌پرزرق وبرق» نیست، واین حیف است‌که افراد انقلابی‌باعمل شتاب‌زده‌ویاغرض‌آلودخود، به‌اثبات‌این‌حکم‌ضدانقلابی، نادانسته‌کمك رسانند.

اصطلاح مهم «انقلاب فرهنگی»را ازشرچنین مبتذل شدنی نجات‌دهیم وآنرا به‌مشتی‌اقدامات‌انضباطی تنزل ندهیم!

انقلاب فرهنگی حلقه‌ایست ازانقلابات‌سیاسی واقتصادی واجتماعی‌درکل‌انقلاب ومحصول‌آن‌مقدمات، که بطورعمده نکات زیرین را دربرمیگیرد،

۱) آموزش عمومی دبستانی‌ودبیرستانی‌وبسط شبکه مدارس ابتدایی ومتوسطه وعالی،

۲) رشد پرتوان علم وفن و هنر و مؤسسات مربوط به‌آن (مانند دانشگاهها، فرهنگستانها،موزه‌ها تماشاخانه‌ها وغیره)،

۳) بسط و گسترش فرهنگ و هنر خلقی (فولکلوریك)،

۴) بسط‌وگسترش فرهنگ جسمانی(ورزش)،

۵) توجه به‌بهبود شرایط تربیتی انسان در خانواده ومدرسه ومحل‌کار و محیط اجتماعی و اتخاذ تدابیری دراین‌زمینه.

برپایه این مجموعه‌ها(کمپلکس)ی پنجگانه، بتدریج‌آداب وعادات‌ورسوم غلط‌ومضرو کهنه‌وروحیات وسجایای‌غیرانسانی‌دگرگون میشودویك‌**انقلاب‌روحی** واخلاقی، که‌ثمره‌پیروزی نهائی همه‌جوانب انقلاب‌است وآنرا برای همیشه درتاریخ‌پایدار میسازد،پدیدمیآید. لذا تحول اخلاقی وانقلاب روحی نمیتواند نتیجه‌شلاق واعدام باشد! انقلاب روحی واخلاقی یك‌محصول‌بسیار دیررس دهها سال کار عرق‌ریز در زمینه های سیاسی ، اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی‌است وآنرا بازوروفرمان وباتکا «غریزه‌ترس» نمیتوان ونباید پدیدآورد. چنین طرزی ازحل مسئله عقب‌ماندگی، نادانی و وحشیگری است وعملا به‌هیچ‌جا نمی‌رسد.

پس‌اگر خواستارانقلاب فرهنگی هستیم،باید:

الف) به‌اقداماتی‌که برای ایجاد محیط عادی در دانشگاهها ومدارس، لازم میدانیم (و باید آنهارا بااسالیب دقیق وهرچه انسانی‌تر بکاربریم.) نام‌پرسرو صدای «انقلاب فرهنگی» ندهیم. این اقدامات هیچ ارتباطی با انقلاب فرهنگی ندارد. این اقدامات اگر ارتباطی باانقلاب داشته باشد، به‌انقلاب **سیاسی** برای تثبیت حاکمیت قشرهای معینی ، که در انقلاب نیروی اساسی بوده‌اند، مربوط است. تردیدی نیست که هر انقلابی به‌اقدامات انضباطی نیاز پیدامیکند، ولی‌مهم تشخیص این ضرورت واتخاذ روشهایی است‌که‌درخورد انقلاب باشد. اگرما بدون ضرورت یاباشیوه‌ای‌ناسزا عمل‌کنیم، انقلاب‌را لکه‌دار ساخته‌ایم.

ب) طرح انقلاب فرهنگی‌را(که وقت است‌در کشورما تدارك شود) برپایه پنج‌نکته ذکر شده، یعنی برای بسط آموزش، رشدعلم وهنروفن، گسترش‌فرهنگ خلقی، بسط‌ورزش، ایجادمحیط تربیتی درست‌درخانواده ومدرسه ومحل‌کار ومحیط اجتماعی بریزیم.

ج) طرح طرح است، بادوهواست، کاغذ پاره است، اگر درپشت‌سرآن بودجه، سازمان، کادر،مدیریت و مطالبه وکنترل نباشد. طرح **نقشه‌پردازی واقعی** است، اگر بااین عوامل پنجگانه (بودجه، سازمان، کادر، مدیریت، کنترل ومطالبه) تحکیم گردد. هرگاه ما باچنین وضعی روبرو شویم، آنگاه میتوانیم‌بگوییم که انقلاب فرهنگی‌را درکشورخود داریم‌آغازمیکنیم. تازه بشرطی‌که درزمینه انقلابهای سیاسی (حاکمیت)و اقتصادی (مالکیت وتحولات مادی جامعه) گامهای ضرور اولیه‌را برداشته باشیم.

شوخی‌نیست...!

این دیگر تفسیر بردار نیست!

در کارخانه تولی‌پرس قزوین، علیرغم دشواریها و ازجمله اشکالتراشی‌ها، سرانجام بهمت کارگران کلاس سوادآموزی دایر شد .

معلم «دلسوز» این کلاس، با «احاطه کامل» به مسایل پشت‌پرده‌جهانی، سوادآموزی را در ارتباط با تخصص خود کاری حقیر دانست و بر آن شد تا مقاله‌های نشریه شورای اسلامی را در بوته نقد بیازماید.

وچنین شدکه پس از قرائت مطالبی در افشای پلیدیهای امپریالیسم آمریکا، حضرتش ازترکش دانش بیکران خود تیری برکشید وگفت:

«این‌ها همه‌اش ازآمریکا صحبت کرده‌اند. این رابدانید که شوروی امپریالیست خونخوار ....»

ـ و امام خمینی می‌گوید: دشمن اصلی و شیطان بزرگ آمریکاست... همه بدبختی‌های ماز آمریکاست!

احساسات دوستانه

جان‌رودس، رهبراقلیت مجلس‌آمریکا، گفته‌است:

«ایران هنوز یك‌کشور مهم‌است وباطنا احساسات دوستانه‌ای‌نسبت به‌ایالات‌متحده داشته وازکمونیسم واتحاد شوروی بیمناك است.»

(آزادگان ـ ۲۳ر۲ر۵۹)

ـ این‌یانکی هم خودش رابه‌نفهمی میزند! وگرنه‌طرف‌خوب میداند مردم‌ماچه «احساسات دوستانه‌ای» نسبت به‌آمریکا دارند!

بفرمائید مارا استثمار کنید

تریبچه‌نامه «رنجبر» درشماره ۴۹خود، نوشته است:

«شك‌نیست که‌بورژوازی انحصارگرجهان دوم، بحکم طبیعت امپریالیستی خود، خلقهاوملل وکشور های جهان سوم را مورد ستم واستثمارقرار می‌دهند.»

وچند سطربعد آورده است،

«ایران باید میان‌سه‌راه یکی‌را برگزیند... ویا راه سومی‌رادنبال کند،یعنی‌راه استفاده ازتضادهای‌امپریالیسم.. جلب‌همکاری جهان دوم (نیروی بینابینی) براساس احترام به‌استقلال وتمامیت ارضی ایران.»

ـ معنی ساده وبی‌تکلف حرفهای بالااین است‌که،امپریالیستهای «جهان دوم»! بفرمائید مارا استثمار کنید!

گفتند...

گفتند‌که، چراناوگان جنگی آمریکا وژاپن به‌مدت یکهفته به‌مانورهای مشترك ضدزیردریائی دراقیانوس آرام می‌پردازند؟

گفتیم، یك‌گردش کوتاه وماه‌عسل شیرین دوامپریالیسم در زیر دریاست، کسی‌نباید دلخور شود!

سیل

«سیل اسلحه فرانسوی بسوی عراق و عربستان سعودی روان است». (کیهان، ۵۹/۲/۲۳).

ظریفی‌گفت: «سیل‌بند» این‌رژیمها باندازه‌کافی‌محکم هست تاآنها را همانند رژیم شاه مخلوع سیل‌نبره!!

دیدن و ندیدن

«درصدمتری فرود هواپیماهای‌آمریکائی، تعدادی‌آمریکائی مسلح و غیرمسلح دیده شدند.» (سپاه پاسداران مشهد ـ جمهوری اسلامی ـ ۵۹/۲/۲۵).

ـ ولی‌درس‌تاس‌ایران چندین‌صد جاسوس‌آمریکائی،که به ایران رفت‌وآمد میکنند، دیده نشدند!

صداقت

رفیقی‌گفت: میدانی چراگروهك اشرف‌دهقانی دربیانیه ۱۰ اردیبهشت خود حتی‌کلمه‌ای راجع به‌تجاوز نظامی‌آمریکا به‌ایران سخن نگفته وحتی یك‌کلمه نازك‌ترازگل علیه آمریکا ننوشته است؟

ظریفی جواب داد: صداقت آقاجان، صداقت!

چرا آمریکا فراموش شد

«حزب «اسلامی» افغانستان اعلام کرده است‌که «ملت» افغانستان درحال‌پیروزی‌بر استعمارگر شرق وامپریالیسم‌جهانخوار است وهرگز اجازه نمیدهد استعمار پیرانگلیس وباچین باانتشار دروغ وشایعه‌پردازی انقلاب رهایبخش ملت افغانستان‌را از مسیر خود دورسازد».

ورهبر «حزب» درجواب سئوال خبرنگارکه، آمریکا را فراموش‌کردی، لبخندی زدوگفت، درودبرآمریکا، پشتیبان«انقلاب رهایبخش ملت افغانستان»!

دوست آن است که...

«یك‌گروه از دانشجویان کشورهای خاورمیانه درشانکهای تهدیدکرده‌اندکه اگرآمریکا دست به اقدام تجاوزکارانه دیگری بزند، دست به اقدام تلافی‌جویانه خواهند زد.»

«شبه‌گذشته ۲۵ دانشجوی‌عرب‌واستادان‌درحالیکه‌عکسهای امام خمینی را دردست داشتند وعلیه‌کارترشعارهائی حمل‌میکردند، جلوی کنسولگری آمریکا دست به تظاهرات زدند، ولی در ۱۰۰ متری ساختمان توسط مامورین امنیتی چین متوقف شدند.»

«مقامات چینی روز قبل کنسولگری را از تظاهرات دانشجویان آگاه‌کرده بودند وبه آمریکائیان اطمینان‌داده بودندکه این تظاهرات تحت‌کنترل خواهد بود.»

(جمهوری اسلامی ۵۹/۲/۲۷)

ـ دوست آن است‌که‌گیرد دست دوست...

رویدادهای جهان

برنامه عمرانی جمهوری دمکراتیك افغانستان برای سال جاری تصویب شد

دراین برنامه، اصول‌اساسی برپایه‌استفاده هرچه مؤثرترازمنابع مالی‌داخلی وکمك همه‌جانبه خارجی‌استواراست.

سلطان علی‌کشتمند معاون شورای انقلاب افغانستان اعلام‌کردکه‌دراین‌برنامه‌برکشاورزی وصنعت تاکیدشده است. طبق برنامه محصولات کشاورزی‌نسبت بسال‌پیش افزایش‌خواهدیافت. قراراست مجتمع‌های جدیدی تاسیس شود و فرآوردهای صنعتی‌نیزنسبت به سال‌پیش‌افزایش یابد،دربرنامه عمرانی، آموزش و مبارزه با بیسوادی وتربیت کادرهای لازم برای اقتصادملی‌مورد توجه خاص‌قرارگرفته‌است.

ازسوی دیگربرطبق موافقت‌نامه‌ای که در کابل‌میان اتحاد شوروی وافغانستان بامضاء رسید، اتحاد شوروی درسال جاری چند هزار تراکتور، کمباین‌وهزاران تن کودشیمیائی در اختیارافغانستان قرارمیدهد. اتحاد شوروی‌و دیگرکشورهای سوسیالیستی همچنین در توسعه اقتصادی افغانستان فعالانه همکاری خواهندکرد هم‌اکنون بیش ازهفتاد واحد صنعتی با کمك اتحادشوروی درافغانستان‌دردست‌ساختمان‌است.

چین، پاکستان را مسلح میکند

روزنامه پاتریوت،چاپ هند، اعلام‌کردکه ظرف سه‌ماه آینده چین از راه جاده قره‌قوروم مقادیرزیادی سلاح، ازجمله تانك وتوپخانه در اختیار رژیم‌ضیاءالحق، دیکتاتورپاکستان قرار خواهد داد. همچنین‌قراراست‌تعدادی‌هلیکوپتر وهواپیما نیزازطرف پکن در اختیار پاکستان قرارگیرد.

درگفتگوهای اخیر ضیاءالحق درپکن، بویژه درمورد همکاری‌های نظامی‌میان چین و پاکستان توافق شد. آمریکا نیزدرهمکاری دو کشورنقش‌مهمی برعهده دارد.

نیازبه توضیح نیست‌که راه عمده دسترسی باندهای افغانی به سلاحهای‌آمریکائی وچینی، پیشاورپاکستان است.

امپریالیسم‌آمریکا صلح جهانی‌را بخطر انداخته است

نماینده جمهوری سوسیالیستی ویتنام در کنفرانس‌خلع‌سلاح سازمان ملل‌متحد اعلام‌کرد که قدرت‌نمائی‌امپریالیسم‌آمریکا در خلیج‌فارس ودردریای‌کارائیب وایجاد پایگاههای جدید نظامی، صلح وامنیت جهانی را جداً بخطر انداخته‌است.

نماینده ویتنام تأکیدکردکه تلاش برای دامن‌زدن به جنگ سرد، اوضاع بین‌المللی‌را متشنج ساخته وباید راههای جدی برای‌مقابله بااین‌تشنجات پیدا شود.

تظاهرات مردم‌کوبا علیه توطئه و تحریك امپریالیسم آمریکا ادامه دارد

مردم‌کوبا در دو روزگذشته با برگزاری تظاهرات بسیار با شکوهی، توطئه و تحریك امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب‌کوبا رامحکوم و اعلام‌کردندکه آماده‌اند هرگونه توطئه‌ای را درنطفه خفه سازند.

در هاوانا بیش از یك میلیون نفر علیه مانورهای دریائی آمریکا دردریای کارائیب و هیستری ضدکوبائی،که بوسیله هیئت حاکمه واشنگتن دامن زده میشود، تظاهرات باشکوهی برگزارکردند. همچنین حدود چهارمیلیون‌نفر دیگرنیز درشهرهای مختلف دست به تظاهرات زدند.تظاهرکنندگان اشغال غیرقانونی پایگاه گوانتانامو بوسیله امپریالیسم آمریکاوهمچنین محاصره دریائی‌کوبا را محکوم‌کردند و اعلام داشتند که پروازهای جاسوسی آمریکا برفراز کوبا باید بیدرنگ قطع شود.

اعتصاب بیش از یك میلیون کارگر سوئدی موقتاً پایان یافت، ولی مسئله تورم و بیکاری حل‌نشده باقی مانده است

اعتصاب بیش ازیك میلیون کارگرسوئدی موقتاً پایان یافت. اعتصاب‌کارگران‌سوئدی‌نشان دادکه تاچه‌حد باصطلاح معجزه‌صلح اجتماعی درسوئد بی‌اساس وبی‌پایه است.

کارفرمایان سوئدی که از گسترش اعتصاب‌های‌کارگری درسوئد بیمناك شده‌بودند، باچند تقاضای‌کارگران، از جمله عدم اخراج بی‌دلیل‌کارگران وافزایش چند درصد دستمزدها موافقت کردند. با اینهمه مسائل اساسی، یعنی تورم وبیکاری حل‌نشده باقی مانده است.

اعتصاب‌کارگران سوئد نشان دادکه تضاد سرمایه وکار، برخلاف ادعای نظریه‌پردازان بورژوائی، حتی درکشور باصطلاح معجزه صلح اجتماعی نیزبا شدت هرچه تمامتر خودنمائی میکند.

اتحاد شوروی به‌ساختن یك مرکز پژوهشی‌هسته‌ای درکوباکمك‌میکند

بموجب قراردادی‌که درمسکومیان‌اتحادـ شوروی وکوبا بامضاء رسید، اتحادشوروی در ساختن یك‌مرکزپژوهشی هسته‌ای درکوبا به‌این کشورکمك میکند. تجهیزات وراکتور ازطرف اتحاد شوروی در اختیارکوبا قرار میگیرد و کارشناسان‌کوبائی در اتحاد شوروی‌آموزش می‌بینند.

محافل ترقیخواه جهان همچنان تحریکات امپریالیسم‌آمریکا علیه‌کوبا را محکوم میکنند

روزنامه«المجاهد» چاپ‌الجزایرمینویسد،

«آمریکا باعزام‌نیروهای‌مسلح‌برای‌شرکت در مانورهای دریای‌کارائیب، تحریکات‌علیه‌کوبا را ـ که سرمشق‌آن به‌شماری ازخلق‌های منطقه کمك میکنند، تا از یوغ رژیم‌های دیکتاتوری آزاد شوند ـ شدت می‌بخشد.»

«المجاهد» می‌افزایدکه هر تهدیدی علیه کوبا خود بخود تهدیدی علیه خلقهای‌آسیا، آفریقا وآمریکای‌لاتین‌است. در پرو، لئونیدـ اس‌رودریگز فیگوره‌آ ، نامزد ریاست جمهوری «نیروهای ائتلاف‌چپ»، قاطعانه‌اقدام‌های‌نظامی آمریکا در دریای‌کارائیب را محکوم‌کرد و همبستگی‌خلق‌پرو را با مردم ودولت‌کوبااعلام داشت. لئونیداس‌رودریگز گفت‌که‌هدف‌امپریالیسم آمریکاآن است‌که برای خلقهائی‌که در مسیر دموکراسی‌وعدالت پیش‌میروند، مشکلاتی‌ایجاد کند ودرهمان حال سد راه روند مبارزه‌آزادی‌ـ بخش درآمریکای مرکزی شود.

در اکوادورکمیته صلح این کشوراعلام‌کرد که مانورهای‌آمریکا دردریای‌کارائیب‌بمعنی‌نقض حاکمیت ملی‌کوبا وبمخاطره انداختن صلح در منطقه و سرتاسر جهان است و باید با تمام قوا توطئه‌های امپریالیسم‌آمریکا خنثی شود.

خبرگزاریهای امپریالیستی بیش از پیش رسوا میشوند

خبرگزاریهای امپریالیستی،که درچندماه اخیر باگزارشهای دروغ خود درباره‌افغانستان، از ارتش ۹۰ـ۸۰هزارنفری افغانستان، حدود سیصدهزار سربازراکشته،وناقص‌اعلام‌کردند(۱) روزبروز بیشترآبروی خودرا بباد میدهند.

این خبرگزاریها دردست یکماه پیش،به‌نقل از «منابع ناشناس آمریکائی»! خبرداده بودند که شمارسربازان اتحادشوروی درافغانستان به حدود صدهزارنفررسیده است. اما ازآنجاکه دروغگوکم حافظه‌هم‌هست، این خبرگزاری‌ها اخیراً ـ البته بازهم به‌نقل از «منابع ناشناس آمریکائی»! ـ خبردادندکه«شمارنیروهای‌اتحاد شوروی درافغانستان‌به‌۸۵هزارتن‌افزایش‌یافته است»(۱)خبرگزاریهای‌امپریالیستی، که‌به‌واکنش‌ـ های منفی مردم پی‌برده ومتوجه شده‌اندکه‌مردم کشورهای مختلف بتدریج به‌واقعیت اوضاع افغانستان آشنا میشوند و اباطیل مربوط به «کشتار وقتل» را باور نمیکنند، دست به‌حقه جدیدی زده‌اند. این خبرگزاریها بازهم ازقول «منابع ناشناس‌آمریکائی»! خبرمیدهندکه تعرض اصلی درافغانستان بعداز المپیك شروع خواهد شد (۱)امپریالیسم‌آمریکا باانتشاراکاذیبی ازاین نوع تلاش میکندکه شکست مفتضحانه خودرا درمورد تحریم بازیهای المپیك جبران کند.

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسنادحزبی(اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره‌در نامه‌«مردم»ارگان‌مرکزی حزب تودهٔ ایران‌را، با استفاده ازتمام‌امکانات، به‌وسیع‌ترین‌شکل تکثیر کنیدوبه‌توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس‌کنونی این یك وظیفه مبرم انقلابی است.

نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر ـ شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۳۴۵۹ـ۹۳۵۷۲۸
شماره تلکس :
214081 TPI IR
چاپ، کاویان

MARDOM
No. 238
19 May 1980

Price:
West — Germany 0.80 DM
France 2 fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

تمام قراردادهای اقتصادی ونظامی اسارتگر امپریالیستی بایدلغو شود